

جوانان، مقدمات ازدواج و راهبردهای ایشان در رو به رو شدن با ازدواج

سهیلا صادقی فسایی^۱

سید محسن بنی جمالی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

مقاله حاضر به مطالعه مقدمات ازدواج جوانان و نیز راهبردهایی که ایشان در رو به رو شدن با ازدواج اتخاذ می‌کنند، می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه درک جوانان از مقدمات ازدواج با راهبردهای ایشان در رو به رو شدن با ازدواج مرتبط است. روش مطالعه، کیفی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختاریافته است. تحلیل اطلاعات با روش تحلیل تماتیک صورت پذیرفته است. نمونه مورد مطالعه شامل ۲۰ تن از افراد زن و مرد و مجرد و متأهل است که بیشتر بین سنین ۲۰ تا ۴۰ سال واقع اند.

مطالعه مقدمات ازدواج را در سه مقوله مقدمات غیرمادی، مقدمات مادی و مقدمات اجتماعی خلاصه می‌کند. سه گونه مقدمات ازدواج قابل تبدیل به یکدیگرند. از حیث طبقاتی هر چند تمام طبقات به جنبه‌های مادی در مقدمات ازدواج اشاره می‌کنند، اما شدت توجه طبقات پایین به این مقوله بیشتر است. نیز توجه به جنبه‌های ذهنی در بین طبقات متوسط و بالا بیشتر مشاهده می‌شود. بر این اساس برای فردی از طبقه متوسط یا بالا مقدمات ازدواج بیشتر امری ذهنی و برای افرادی از طبقات پایین، امری عینی و مربوط به شرایط مادی و عینی زندگی است. مطالعه نشان داد که در توجه به مقدمات ازدواج خانم‌ها تأکید بیشتری بر جنبه‌های ذهنی و حتی سرمایه اجتماعی و آقایان تأکید بیشتری بر جنبه‌های عینی و مادی دارند. نیز برای خانم‌ها وجود خواهان و خواستگار امری مفروض در ازدواج است که بسیار متأثر از سرمایه اجتماعی و یا حتی اعتبار اجتماعی خود فرد می‌باشد.

راهبردهای جوانان در رو به رو شدن با ازدواج برآمده از دو جهت‌گیری کلی ازدواج یکباره و ازدواج پیش‌بینی شده یا برنامه‌ریزی شده است. شواهد آشکار می‌سازد که راهبردهای جوانان در رو به رو شدن با ازدواج تحت تأثیر جنسیت است. در این مورد بدان علت که جنبه‌های پیش‌بینی‌ناپذیر در ازدواج برای خانم‌ها بیشتر از آقایان است. راهبردهای آنها نیز در رو به رو شدن با ازدواج پیش‌بینی‌ناپذیرتر و منعطف‌تر است.

E-mail: ssadeghi@ut.ac.ir

^۱ دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تفوقِ رویهٔ میانه در راهبردهایِ رو به رو شدن با ازدواج آشکار می‌سازد که جوانان در این زمینه هم از برنامه‌ریزی سود می‌برند و هم به خاطر طبیعت نامطمئن و پیش‌بینی‌ناپذیر گذار، از برنامه‌ریزیِ تمام جزئیات فاصله می‌گیرند. آنها یاد می‌گیرند که چگونه منعطف باشند و در این باره راهبرد برنامه‌ریزی را با آنچه که پیش می‌آید، ترکیب کنند. در این مورد طبقه، آشکارا عامل تمایز است؛ به گونه‌ای که طبقات بالاتر بر جنبه‌های فردیِ تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و خطوط راهنما و طبقات پایین‌تر بر شانس و اقبال تکیه می‌کنند. مطالعه آشکار می‌سازد علیرغم آنکه جوانان مسئولیت ازدواج را متوجه خود می‌دانند، اما همچنان در این زمینه تحت تأثیر عوامل ساختاری مثل طبقه و جنسیت هستند. براین اساس، جوانان درگیر آن موقعیتی هستند که با عنوان خطای شناخت شناسانهٔ مدرنیتهٔ متأخر از آن یاد می‌شود. از این منظر جوانان درگیر موقعیت متناقضی هستند که بر اساس آن ضمن اینکه اذعان می‌دارند بدون کمک خانواده نخواهند توانست از پس مقدمات ازدواج برآیند، اما در انتساب مسئولیت مقدمات ازدواج به خود نیز تردید نمی‌کنند. به عبارت دیگر، آنها در حالی مسئولیت مسئله را به گردن می‌گیرند که توانایی تسلط بر موقعیت را ندارند.

واژگان کلیدی: جوانان، ازدواج، مقدمات ازدواج، مدیریت ازدواج، راهبردهای ازدواج و خطای شناخت‌شناسانه مدرنیته متأخر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مسئله

در مباحث مربوط به گذار به بزرگسالی، مقدمات ازدواج محل مناقشه فراوان است؛ اینکه این مقدمات چیست، شامل چه جنبه‌هایی است و در نهایت چه رابطه‌ای بین این مقدمات و تصمیم‌گیری برای ازدواج وجود دارد. حوزه مربوط به مقدمات ازدواج با حوزه سیاستگذاری اجتماعی نیز مرتبط و موضوع مباحثه‌های بسیار از سوی سیاستمداران بوده است. بسیار سؤال می‌شود که وظیفه دولت در مدیریت گذار جوانان به بزرگسالی چیست و عوامل مختلف هر یک چه نقشی در ایجاد مقدمات ازدواج دارند. این مباحث آنچنان دارای اهمیت است که در موارد بسیار مبنای جناح‌بندی‌های سیاسی قرار می‌گیرد و آرایش نیروهای سیاسی را شکل می‌دهد. به همین دلیل، مقاله حاضر مقدمات ازدواج جوانان را مورد بررسی قرار داده است تا در تجزیه و تحلیل بر اساس آنچه که در مصاحبه‌ها بدان اشاره شده است، آن تم‌های اصلی را که در برگزنده جنبه‌های مختلف مقدمات ازدواج است به دست آورد. به علاوه، این مقاله می‌خواهد آن راهبردهای اصلی را که جوانان در رو به رو شدن با ازدواج اتخاذ می‌کنند، شناسایی نماید تا از آن طریق تم‌های اصلی این راهبردها را نیز به دست آورد. هدف مقاله از مقایسه این دو حوزه اصلی آن است تا به دریافت اثر مقدمات ازدواج بر راهبردهای ایشان در ازدواج نزدیک شود. بر این اساس مسائل اصلی این مقاله به قرار زیر تعریف می‌شود:

۱. مقدمات ازدواج جوانان چیست؟
۲. جوانان چه راهبردهایی در رو به رو شدن با مسئله ازدواج اتخاذ می‌کنند؟
۳. راهبردهای جوانان در رو به رو شدن با ازدواج چه رابطه‌ای با مقدمات ازدواج می‌یابد؟

مروری بر ادبیات

مسئله مقدمات ازدواج بیش از هر جای دیگری در مطالعات مربوط به تأخیر سن ازدواج مطرح می‌شود. در این باره خرازی، مطلق و صدریان (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای نشان دادند که اساسی‌ترین مشکل ازدواج دانشجویان، عدم یافتن فرد مناسب با توجه به معیارهای ازدواج فرد و نیز ترس از افت تحصیلی است. این در حالی است که مصری‌نژاد (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای عمومی‌تر در همان سال نشان داد که کسب استقلال مالی و سطح تحصیلات بالاتر، علت اصلی به تعویق افتادن ازدواج زنان است. محمودیان (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای درباره سن ازدواج بیان می‌دارد که میزان تحصیلات با افزایش سن ازدواج همبستگی دارد، ضمن اینکه

شهرنشینی، اشتغال زنان، ازدواج‌های آزادتر، برابری بیشتر جنسیتی و نسبت خویشاوندیِ دورتر اثر مستقیمی بر سن ازدواج باقی می‌گذارد. در کار محمودیان آشکار می‌شود که میزان تحصیلات، محل سکونت، نسبت خویشاوندی با همسر و قومیت، اثر معنی‌داری بر سن ازدواج دارد. نیک منش و کاظمی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای درباره‌ی دختران و پسران بالای ۲۵ سال شهر زاهدان نشان می‌دهند که مهمترین دلیل ازدواج نکردن دختران به اظهار خود ایشان، نیافتن فرد مناسب و نیز ادامه‌ی تحصیل است. این در حالی است که پسران در این باره به مشکلات اقتصادی و بیکاری اشاره کرده و آن را دلیل ازدواج نکردن خود برشمرده‌اند. ایشان با طرح مسئله‌ی امید به ازدواج در آینده نشان می‌دهند که میزان امید به ازدواج جوانان برای پسران بیشتر از دختران است؛ نکته‌ای که نشان می‌دهد مسئله‌ی ازدواج تا چه اندازه جنسیتی است. صادقی، قدسی و افشار کهن (۱۳۸۶) مطرح می‌کنند که بنا بر نظر جوانان، موقعیت ایده‌آل ازدواج برای پسران، بعد از اشتغال به کار و دارا شدن شرایط مالی مناسب و برای دختران، بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی و کسب استقلال اقتصادی است. به همین دلیل از منظر ایشان مشکل دستیابی به فرصت‌های اقتصادی و نداشتن شغل دائم برای پسران و نیز یافتن فرد مناسب برای دختران زمینه‌ساز مسئله‌ی ازدواج در میان جوانان شده است. علیرغم آنکه طیبی نیا (۱۳۹۳) اهمیت بیشتر موانع فرهنگی و اجتماعی را نسبت به موانع اقتصادی و حاکمیتی در تأخیر ازدواج جوانان مطرح می‌کند، اما نقیبی و حمیدی (۱۳۹۴) نشان می‌دهند که عوامل اقتصادی و اجتماعی، مهمترین عوامل تعیین فضای مفهومی نگرش به ازدواج هستند. مطابق با مطالعه‌ی ایشان متغیرهای شاغل بودن (در بین عوامل اقتصادی)، مسئولیت‌پذیری (در بین عوامل اجتماعی)، نیافتن فرد مناسب (در بین عوامل فردی)، و اعتقادات مذهبی (در بین عوامل فرهنگی) اهمیت بیشتری دارند. در مطالعه‌ی دیگر رستگار، رحیمی و عظیمی (۱۳۹۴) مطرح می‌کنند که عوامل اجتماعی و سپس اقتصادی بیشترین تأثیرگذاری را بر دیررسی ازدواج جوانان دارند. آنها نشان می‌دهند که چگونه عواملی مانند ادامه تحصیل و مهاجرت باعث به تعویق افتادن ازدواج جوانان می‌شود. محمدی سیف و عارف (۱۳۹۴) نیز در تحلیل خود از مطالعات انجام شده درباره‌ی ازدواج جوانان مطرح می‌کنند که نداشتن شغل، مشکل مالی و ترس از آینده به همراه نداشتن مسکن و بالا بودن اجاره بهای آن و ادامه تحصیل مهمترین عوامل بازدارنده‌ی جوانان از ازدواج است. در این باره نصرتی نژاد، شریفیان و محمدی (۹۵) نیز نشان می‌دهند که از بین عوامل مختلفی که در کار ایشان مورد بررسی قرار گرفته است، تنها هزینه‌های ازدواج و وضعیت شغلی مردانه بر دیرهنگامی ازدواج در شهرستان طارم تأثیر می‌گذارند. سرانجام التجایی و عزیززاده (۹۵) در

بررسی تأثیر عوامل اقتصادی و فرهنگی بر سن ازدواج نشان می‌دهند که متغیرهای تورم و بیکاری مهمترین تعیین‌کننده‌های سن ازدواج مردان و زنان است.

جمع‌بندی از مجموعه مطالعاتی که درباره عوامل تأثیرگذار بر سن ازدواج جوانان انجام شده است نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی به خصوص اشتغال جوانان همچنان مهمترین تعیین‌کننده ازدواج پسران و انتخاب زوج مهمترین تعیین‌کننده ازدواج دختران است.

روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که مطالعه در جستجوی فهم و به دست آوردن روایت‌های پاسخگویان از فرآیندهاست، از روش کیفی استفاده می‌کند. روش کیفی کمک می‌کند تا امکان شناخت عمیق فرآیندها فراهم آید. نیز بسیار اهمیت دارد که به دست آید جوانان چه درک و تفسیری از موقعیت و از فرآیندهای ازدواج دارند. درک و تفسیر جوانان از موقعیت کمک می‌کند تا شناخت میدان از منظر خود جوانان پیگیری شود و در نهایت نیز به دست آید که جوانان با چه درکی از موقعیت و با چه تفسیرهایی از عوامل مختلف با مسئله رو به رو می‌شوند. دریافت درک و تفسیر جوانان از موقعیت آشکارا از راه روش کیفی حاصل خواهد شد.

روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق مصاحبه است، زیرا مصاحبه در فرآیند تعامل چهره به چهره بازنمایی کاملی از زندگی روزمره فراهم می‌سازد و بنابراین بیش از هر چیزی مشوق مطرح ساختن تجربه واقعی مشارکت‌کنندگان است (راپلی، ۲۰۰۷، ص. ۱۶). به علاوه، مصاحبه امکان دستیابی به گزارش‌های واقعی^۱ از تجربه مشارکت‌کنندگان را فراهم می‌آورد (ن. ک. به رولستون، ۲۰۱۴، ص. ۲۹۸). از این منظر این مطالعه تلاش می‌کند تا از طریق روش کیفی و مشخصاً مصاحبه و به دست آوردن روایت‌های پاسخگویان به شناخت مسئله نائل آید.

انتخاب نمونه‌ها به شکل هدف‌دار و براساس دو رویه انتخاب مبتنی بر اطلاعات^۲ و نیز انتخاب مبتنی بر موارد با حداکثر تغییرات^۳ انجام شد (ن. ک. به مرکنز، ۲۰۰۴، ص. ۱۶۵-۱۷۱ و نیز راپلی، ۲۰۱۴، ص. ۴۹-۶۳). به همین دلیل نیز جنسیت، سن، وضع تأهل و طبقه در انتخاب نمونه‌ها مورد ملاحظه قرار گرفت. در نهایت، تعداد نمونه‌ای که مورد پرسش قرار گرفت ۲۵ تن بود که متن مصاحبه ۲۰ تن از آنان برای تجزیه و تحلیل‌ها انتخاب شد. از این میان، ۱۰ تن مرد و ۱۰ تن نیز زن بودند. نیز مجردها و متأهلان هر دو

¹ factual

² information-oriented

³ maximum variation cases

به نسبت لازم در مصاحبه حضور داشتند. به همین ترتیب از سنین مختلف نیز نمونه‌هایی در نظر گرفته شد. همچنین، به عمد و در جهت به حداکثر رساندن اطلاعات، نمونه‌هایی از طبقات درآمدی مختلف انتخاب شد. نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که اشباع نظری حاصل آمد.

اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۱ به دست آمد که به صورت فردی و چهره به چهره انجام شد. اجرای مصاحبه بیشتر در مکان‌های عمومی از جمله پارکها صورت پذیرفت. تمامی مصاحبه‌ها، واج‌نویسی^۲ شد و سپس "متن" مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (ن. ک. به ینکس، ۲۰۱۱ و کوال و اکانل، ۲۰۱۴). در منظم ساختن اطلاعات نیز از نرم‌افزار مکس کیو دی ای^۳ استفاده شد.

از آنجا که مطالعه در جستجوی واقعیت است و با اطلاعات به مثابه منبع^۴ شناخت برخوردار می‌کند و نیز داده‌های حاصل از مطالعه را به منزله گزارش‌هایی^۵ از وقایع و تجربیات تلقی می‌کند، هسته اصلی تحلیل داده‌ها مبتنی بر روش استقرایی است؛ هر چند جزء ابداتیو^۶ نیز دارد، زیرا در جریان توسعه کدها، مقوله‌ها و مفاهیم نظری با نوعی غافلگیر شدن و گمانه‌زنی و خلاقیت نیز رو به روست (ن. ک. به برینکمان، ۲۰۱۳، ص. ۱۲).

روش تحلیل داده‌ها نیز بر سه مرحله تقلیل داده‌ها (ن. ک. به رولستون، ۲۰۱۴، ص. ۳۰۴)، سازماندهی مجدد داده‌ها از طریق ایجاد مقوله‌ها (ن. ک. به همان) و سرانجام بازنمایی و تفسیر داده‌ها بر اساس تحلیل تمی استوار است (ن. ک. به سالدانا، ۲۰۰۹، ص. ۱۳).

در متن مقاله در جایی که شواهد ارائه می‌شود، ویژگی‌های فرد مصاحبه‌شده قبل از نقل قول آورده شده است (به عنوان مثال، مرد جوان بیست و هشت ساله که دارای مدرک لیسانس بیمه و در شرف ازدواج است)، ضمن اینکه در پایان هر نقل قول نیز شماره ارجاع که شامل شماره مصاحبه و شماره پاراگراف است ارائه شده است. به عنوان نمونه، شماره ۱۱-۵۹ نشان می‌دهد که شاهد مثال ارائه شده مربوط به مصاحبه شماره ۱۱ و پاراگراف ۵۹ از آن مصاحبه است.

¹ semi-structured

² Interview transcriptions

³ MAXqda

⁴ resource

⁵ report

⁶ abductive

تجزیه و تحلیل و بحث

بحث و تجزیه و تحلیل در این مطالعه به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. در بخش اول، به مسئله مقدمات ازدواج و در بخش دیگر، به مسئله چگونگی رو به رو شدن جوانان با ازدواج یا تصمیم‌گیری در باره ازدواج پرداخته می‌شود. بخش اول، شامل تم‌هایی است که در مطالعه مقدمات ازدواج به دست آمده است - ضمن اینکه نشان داده می‌شود که چگونه این تم‌ها تحت تأثیر تمایزات برخاسته از جنسیت و طبقه است. بخش دوم نیز به مسئله تصمیم در ازدواج می‌پردازد و شامل بررسی آن راهبردهایی است که جوانان در رو به رو شدن با ازدواج اتخاذ می‌کنند. در این بخش نیز نشان داده می‌شود که چگونه هر راهبردی که جوانان در رو به رو شدن با ازدواج برمی‌گزینند، متأثر از طبقه و جنسیت است. در نهایت، در بخش نتیجه‌گیری نیز رابطه تصمیم‌گیری با مقدمات ازدواج مورد بررسی قرار می‌گیرد و اینکه چگونه آن راهبردی که جوانان در رو به رو شدن با ازدواج اتخاذ می‌کنند با مقدمات ازدواج ارتباط می‌یابد.

مسئله مقدمات ازدواج

ازدواج امر مفروض

پاسخگویان در گفتگوهای خود ازدواج را مفروض می‌گیرند. مفروض بودن ازدواج بدان معناست که تردیدی در باره ازدواج نیست و جوانان به آن به عنوان امر محتوم می‌نگرند. مرد جوان بیست و هشت ساله که دارای مدرک لیسانس بیمه و در شرف ازدواج است " در این باره می‌گوید:

"... اگه به اصطلاح گفتنی، خانواده‌ها سخت نگیرن، جوونا خودشون بخوان و شرایط مملکت ما مهیا باشه، چرا جوونا نرن به سمت ازدواج؟ چرا نرن به سمت به اصطلاح گفتنی استقلال کسب کردن؟ خوب کسی بدش نمی‌آد. مسلماً همه علاقه دارن و مسلماً به لحاظ اون فرهنگی که تو جامعه ما به اصطلاح گفتنی پابرجاست - اون فرهنگ سنتی ازدواج که خانواده‌ها بر این معتقدند که همه جوونا به روزی باید برن خونه بخت و ما با اون فرهنگ بزرگ شدیم و نسل به نسل اون فرهنگ هم داره انتقال پیدا می‌کنه - خوب مسلماً باید این شرایط هم مهیا باشه ... "(مصاحبه ۱۱ - پاراگراف ۱۶۶)

پسر جوان بیست و هفت ساله‌ای که دارای مدرک لیسانس در مدیریت پروژه است نیز در این باره می‌گوید:

"به نظر من کسایی که صددرصد نهی می‌کنن - نه من ازدواج نمی‌کنم - هیچ دلیل منطقی‌یی نداره. مثلاً بشینی باشون صحبت کنی، می‌بینی خیلی الکی‌یه حرفهایی که می‌زنن و گرنه خوب طبیعت آدمیزاد اینجوریه

که ازدواج خیلی خوبه. مثلاً من یه دوست هلندی داشتم. دیدگاهش راجع به ازدواج این بود که من بچه خیلی دوست دارم. ازدواج هم خیلی خوبه، ولی خودمو بیشتر دوست دارم. این خیلی غیرمنطقی و مسخره بود، چون تو ازدواج چیزی از خودت کم نمی‌شه." (۱۴-۲۱۲)

نکته‌ای که در این میان به خصوص جوان دارای لیسانس بیمه در انتهای گفته خود بدان اشاره می‌کند اهمیت مقدمات ازدواج را آشکار می‌سازد و اینکه مفروض بودن ازدواج وابسته به وجود مقدمات آن است. وی در این باره می‌گوید:

"... خوب مسلماً باید این شرایط هم مهیا باشه. وقتی شرایط اقتصادی مملکت، شرایط اجتماعی مملکت ما مهیا نباشه ... آقا پسرها و دختر خانم‌هایی که تو سن ازدواج هستن ... احساس می‌کنن که من اگر تأهل پیدا کنم و ازدواج بکنم، محدود می‌شم. این جایگاهی رو که دارم، از دست می‌دم. آزادی عمل‌ام را از دست می‌دم. خوب مسلماً این روند همچنان همین که هست می‌مونه و آمار ازدواج پایین می‌آد و خیلی مسائل دیگه اتفاق می‌افته ...". (۱۱-۱۶۶)

از این منظر، مفروض بودن ازدواج مشروط به مقدمات آن است و بنابراین اگر شرایط آن فراهم نباشد، ازدواج نیز واقع نخواهد شد. از این منظر فراهم آوردن مقدمات ازدواج، اصلی‌ترین اقدام جوانان در بناکردن ازدواج خود خواهد بود.

مقدمات ازدواج

جوانان در برشمردن مقدمات ازدواج به جنبه‌های عینی و ذهنی و یا مشخصاً بلوغ مادی و معنوی یا فکری اشاره می‌کنند. آقای چهل ساله مجرد و کارمند در بخش دولتی در طرح مقدمات ازدواج به مقدمات معنوی و مادی اشاره می‌کند. از منظر وی، مقدمات معنوی، رسیدن به سطحی از توانایی ذهنی است که فرد بر اساس آن قادر باشد خانواده‌ای را مدیریت کند. از جنبه مادی نیز رسیدن به سطحی از ثبات مالی مورد نظر است که بر اساس آن مشکلی مادی در زندگی فرد پیش نیاید. وی در این باره می‌گوید:

"... از نظر بنده، مقدمات به هر حال مقدمات مادی و معنوی هست دیگه. حالا از نظر معنوی سعی کردم که خودم را به اون سطح برسونم که (۱) که بتونم یه خانواده رو مدیریت کنم از تمام جنبه‌هاش و عرض شود خدمتون که از نظر مالی هم سعی کردم خودم رو به یه سطحی و یه تثبیتی برسونم که مشکلی ایجاد نشه تو زندگیم ...". (۴-۷۶)

به همین ترتیب، آقای جوان در شرف ازدواج ۲۸ ساله که دارای لیسانس و کارمند شرکت بیمه است، در این باره اظهار می‌دارد:

"من خودم سن ازدواج رو زمانی می‌دونستم - یعنی سن خاص عدد خاصی را برآش در نظر نداشتم - من خودم سن ازدواج رو زمان و سنی می‌دونستم که به اون بلوغ فکری و شخصیتی رسیده باشم که بتونم یه زندگی رو مدیریت بکنم. در وهله اول و به لحاظ شرایط اقتصادی و مالی هم حداقل ترین اش اینه که یه درآمد نسبی داشته باشم - خودم این تشخیص رو بدم که از به اصطلاح پس کفاف خرج و مخارج زندگی دو نفره بر می‌آم؛ یعنی به نظر من اون وقتی خودم رو تو اون جایگاه دیدم و دیدم که مثلاً آقا تو سن بیست و هشت سالگی هم به اون بلوغ فکری رسیدم و به لحاظ اقتصادی هم اون درآمد رو به اصطلاح دارم می‌بینم که می‌تونم از پس‌اش بر بیام، احساس کردم که می‌تونم وارد عرصه تأهل و ازدواج بشم." (۸۲-۱۱)

خانم ۲۴ ساله دانشجوی فوق‌لیسانس و نیز کارمند شرکت حسابرسی در شرح این موضوع به تمایزاتی که تفاوت های جنسیتی در این امر ایجاد می‌کند می‌پردازد. از منظر وی، مقدمات ازدواج برای خانم‌ها بیشتر ذهنی و برای آقایان بیشتر عینی و مادی است:

"پسر باید پا پیش بذاره و اون آمادگی حالا چه سربازی، یه کاره، درس شه، درآمدشه، اونا را داشته باشه. اگه ما تلاش می‌کنیم بیشتر هم تو جامعه ایران جا افتاده که حالا خانم کار می‌کنه واسه خودش، درآمدش واسه خودش، پیشرفتش واسه خودش، من ام فکر می‌کنم من بیشتر از نظر ذهنی و روحی باید رو خودم کار کنم." (۱۶۲-۱۹)

دختر خانم سی ساله دارای لیسانس و کارمند در یک شرکت خصوصی در باره مشکل مسئولیت‌پذیری آقایان و تفاوت ایشان با خانم‌ها در این موضوع می‌گوید:

"فکر می‌کنم که آقایون ارتباطشون خیلی کمه، ارتباط اجتماعی شون کمتره. ما خانم‌ها تو جمع دوستانمون می‌شینیم، تو جمع خونواده می‌شینیم، بالاخره هر کسی یه نظری می‌ده. فیلم می‌بینیم، سریال می‌بینیم، خیلی چیزا یاد می‌گیریم، ولی آقایون چون کلاً شخصیت شون رو متکی به خودشون بار می‌آریم، از بچگی واسشون یعنی غرورشون، اعتماد به نفس شون اونقدر بالا هست که از کس دیگه‌ای تأثیر نمی‌گیرن. برا همینه که بیشتر اشتباه می‌کنند و جرأت پذیرفتن اشتباهاتشون را ندارند. به نظر من، اگه کسی قبول کنه که اشتباه کرده، خب سعی می‌کنه که جبران‌اش کنه، تصحیح‌اش کنه یا راه درستش رو یاد بگیره، اونا فکر می‌کنند جرأت اینو ندارند که بپذیرند اشتباه می‌کنند."

البته مردان خود همچنان جنبه‌های غیرمادی را برای مدیریت ازدواج خود با اهمیت تلقی می‌کنند. آقای جوان متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است، اهمیت جنبه‌های غیرمادی و مادی را در مدیریت ازدواج این گونه شرح می‌دهد:

"اولین چیزی که باید به نظر من یک مرد داشته باشه، اون حس مسئولیت‌پذیری شه. باید حتماً مسئولیت‌پذیری و به گردن خودش احساس کنه تا بتونه ازدواج کنه ... شرایط مادی ش من اعتقادم به اینه که از نظر مادی شاید یک مرد در حد متوسط ام باشه خوب خوبه برای ازدواج ... در حد متوسط باشه حالا یه مبلغی داشته باشه. حد مالی اش یه طوری باشه که یه خونه‌ای رو بتونه بگیره. حالا به عنوان مستأجر یا رهن یا خونه کرایه‌ای اجاره‌ای هم بتونه بگیره و اینکه مراسم عروسی و عقد و اینا را بتونه بگذرونه. خوب می‌تونه کافی باشه برای قدم اول ازدواج." (۷-۱۴۰ تا ۱۴۴)

در توجه به جنبه‌های غیرمادی، به عنوان پیش‌نیاز ازدواج مردان و مشخصاً مسئولیت‌پذیری حتی دختر خانم مجرد ۲۰ ساله دانشجوی دکتری در رشته داروسازی اظهار می‌دارد:

"خوب اونام باز یه مسئله اقتصادی اش هست که شغل داشته باشن یا آره یه ذره خوب پشتیبانی خانواده هم هست، ولی بیشتر از همه احساس می‌کنم مسئولیت‌پذیری براشون مهمه و اینکه اونا یه ذره جریزه یا نمی‌دونم اسم بهترش چیه اینکه بتونن گلیم خودشون رو از آب بکشن بیرون. این خیلی خوبه یعنی هم نیاز نیست مثلاً از همون اول زندگی همه چیز باشه. اینکه جنم یکی داشته باشه خیلی مهمه." (۱۶-۹۴)

مقدمات غیرمادی و معنوی یا بلوغ فکری و ذهنی

در مجموعه مصاحبه‌ها در شرح مقدمات غیرمادی به مواردی چون: بلوغ فکری، مسئولیت‌پذیری، توانایی تعامل با دیگری (آقای سی و شش ساله مجرد و دارای تحصیلات فوق‌دیپلم و با کار خانوادگی) و مواردی مثل آن اشاره می‌شود. از سوی آقای چهل ساله مجردی که کارمند در بخش دولتی و دانشجوی دوره فوق‌لیسانس است، بلوغ فکری رسیدن به سطحی از توانایی‌ها معرفی می‌شود که براساس آن فرد، چه پسر یا دختر، قادر به اداره خانواده‌ای باشد. بلوغ فکری که گاه معنوی یا ذهنی نیز نامیده می‌شود، گاه حتی با اهمیت‌تر از بلوغ مادی در نظر گرفته می‌شود. آقای جوان در شرف ازدواج ۲۸ ساله که دارای لیسانس و کارمند شرکت بیمه است، در این باره اظهار می‌دارد:

"به نظر من برخلاف خیلی‌ها که اعتقاداتشون تو زمینه‌های اقتصادی و مالی هست، اولویت اول و اصلی‌ترین به اصطلاح مسئله‌ای که باید مهیا بکنند برای خودشون که به اصطلاح گفتنی شرایط ازدواج رو

فراهم بکنن برای خودشون، مهیا کردن مسائل شخصیتی یه؛ یعنی اون آقا و اون مرد باید واقعاً در خودش ببینه که می‌تونه مستقل باشه، مستقل زندگی کنه و یه زندگی رو مدیریت بکنه، رهبری بکنه در کنار همسرش ... در نهایت امر رهبری و مدیریت اصلی با آقاهاست؛ یعنی اگر آقا اون بلوغ شخصیتی و بلوغ فکری رو نداشته باشه، مسلماً نمی‌تونه این مدیریت رو داشته باشه و مدیریت هم نداشته باشه، خوب زندگی برای یه مدت خیلی کوتاهی از هم پاشیده می‌شه. حالا این به نظر شخصی بنده در وهله اول اولویت همین هست که یه مرد برای ازدواج باید داشته باشه. این بلوغ فکری یه است و بعدش هم تو اون به اصطلاح گفتنی مسائل مالی و اقتصادی به یک جایگاه نسبی ای رسیده باشه نه رفاه کامل. اینو نمی‌گم، چون بالاخره خیلی سخت هست تو این برهه زمانی رسیدن به جایگاهی که شما ابراز کنی که من الان به لحاظ اقتصادی و مالی رفاه کامل دارم، اما به یه جایگاه نسبی رسیده باشه که حداقل به قول معروف گفتنی شرمندۀ خانواده‌اش نشه ... " (۱۱-۱۱۴)

از این منظر مقدمه ازدواج بیشتر امری ذهنی است تا عینی و بنابراین برای آنکه فرد بتواند مدیریت یک خانواده را بر عهده بگیرد، مشخصاً نیازمند رسیدن به بلوغ فکری است.

جنبه‌های مختلف بلوغ فکری که به عنوان شرط لازم ازدواج مورد اشاره جوانان است موارد مختلفی از بلوغ فکری تا توانایی مدیریت زندگی و مسئولیت‌پذیری را شامل می‌شود. می‌توان مسئولیت‌پذیری، داشتن ایمان و دیانت، بلوغ اجتماعی و موارد مشابه را شاهد مثال بلوغ فکری و بلوغ ذهنی در نظر آورد. آقای جوان متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است، در این باره می‌گوید:

"... از نظر فکری هم خوب یا حالا اجتماعی بودن؛ باز اگر یک فردی باشه که به دین اسلام و شیعه بودنش کفایت کنه و با ایمان باشه، کافی باشه برای ازدواج." (۷-۱۴۰)

در این میان، آشکارا تأکید بسیاری بر مسئولیت‌پذیری و توانایی مدیریت زندگی است. مسئولیت‌پذیری هم متوجه ازدواج و هم زندگی پس از ازدواج است. از سوی دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی داروسازی، که در خوابگاه زندگی می‌کند، تأکید می‌شود که مسئولیت‌پذیری و توانایی اداره زندگی به معنی داشتن تمکن مالی صرف و بنابراین فراهم آوردن مادیات به نحوی که همه چیز در زندگی فراهم باشد نیست، بلکه نتیجه وضعیتی است که در آن فرد از توانایی مدیریت موضوع ازدواج برخوردار باشد و تعهد لازم برای چنین اقدامی را نیز از لحاظ اجتماعی داشته باشد. " (۱۶-۹۴)

ایمان به توانایی‌های خود و داشتن اعتقاد به وجود اراده‌ای که بسیاری از مشکلات را به لطف خود حل می‌کند، از دیگر موارد مورد اشاره است. آقای جوان بیست و هفت سال‌های که دارای مدرک لیسانس در مدیریت پروژه است، در پاسخ به سؤال اینکه چرا بعضی از جوانها ازدواج نمی‌کنند، به ضعف ایمان آنها اشاره می‌کند (۱۴-۲۱۲). طرح ایمان ضعیف می‌تواند به اینکه ازدواج مسئله‌ای ذهنی است، تعبیر شود. از این منظر فردگرایی مفرط، باور نداشتن به آن اراده برتری که بسیاری از مشکلات را با لطف خود حل می‌کند و نیز بی‌اعتنایی به توانایی‌های خود مانع ازدواج تلقی می‌شود، زیرا باعث می‌شود فرد مسئولیت‌های ازدواج را در محیطی که بسیار پیش‌بینی‌ناپذیر است، نپذیرد و خود را فاقد آن پشتوانه‌ای بیابد که به وی شجاعت رو به رو شدن با مشکلات را عطا می‌کند.

مقدمات مادی یا بلوغ مادی و عینی

مقدمه دیگر ازدواج، بلوغ مادی یا عینی یا به عبارت دیگر توانایی تأمین مالی زندگی مستقل است. در این مورد، رسیدن به سطحی از تثبیت در زندگی که براساس آن مشکلی در اداره زندگی بوجود نیاید مورد نظر است (۴-۷۶). بلوغ مادی شامل دو جنبه کاملاً مجزاست. این دو جنبه شامل ابتدا توانایی تأمین مقدمات و هزینه‌های ازدواج یا مدیریت ازدواج و سپس توانایی تأمین زندگی و مدیریت آن در پس از ازدواج است. آقای مجرد چهل ساله کارمند در بحث از چگونگی مدیریت ازدواج و زندگی مشترک مشکلات مادی مربوط به مدیریت این دو حوزه را از یکدیگر تفکیک می‌کند:

"مشکل برای ورود به ازدواج نه حالا، احتمال داره بعداً مثلاً توی خرج و مخارج زندگی با توجه به حقوق پابینی که وضعیت کارمندی داره بوجود بیاد، ولی برا شروع و ابتدا به ساکنش نه مشکل خاصی نیست."

(۴-۸۴)

علیرغم آنکه در اشاره به جنبه‌های مادی مقدمات ازدواج بر توانایی‌های اقتصادی تأکید می‌شود، اما در بحث از آنها توجه اصلی جوانان به جای آنکه متمرکز بر امکانات مادی و مالی به صورت مستقیم باشد بر داشتن کسب و کار مناسب، داشتن پس‌انداز و داشتن مسکن جهت یافته است. البته آشکارا در بین تمام این موارد توجه اصلی بر داشتن شغل و کسب و کار مناسب متمرکز است. داشتن کار تا بدان حد دارای اهمیت است که از سوی جوانان برای ازدواج به عنوان امری مفروض در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال، در موردی که زوجی عقد بوده‌اند، به محض یافتن شغل جشن عروسی انجام و زندگی مشترک آغاز شده

است. آقای جوان متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است، داستان این موضوع را این گونه شرح می‌دهد:

"یک مقداری پس‌انداز داشتم، اما خوب به این مبلغ نمی‌رسید و همین هم یکی از دلایلی - شاید تأثیر کمی داشت، ولی خوب تأثیر داشت - بود که باعث شد که ما دو سال عقد بمونیم. مشکل این بود که شرایط کاری خوب نبود، اون موقع مساعد نبود، قرارداد هنوز اوکی نشده بود؛ اما بعد از اینکه اوکی شد - به محض اینکه اوکی شد - ما اوایل نود و چهار تقریباً ما ازدواج کردیم". (۷-۲۱۴).

ضرورت داشتن شغل حتی در ناخودآگاه بعضی از مصاحبه‌شوندگان وجود دارد و به همین دلیل در جای جای مصاحبه‌ها به تناسب مورد اشاره ایشان نیز قرار می‌گیرد.

مقدمات اجتماعی یا اعتبار اجتماعی

آنچه در شرح مقدمات ازدواج از سوی جوانان متفاوت می‌نماید، اشاره به مزیت‌های اجتماعی به عنوان مقدمات ازدواج است. به عنوان مثال، اشاره‌های متعددی از سوی برخی از پاسخگویان به ضرورت وجود اعتبار اجتماعی برای ازدواج می‌شود. آقای سی و شش ساله مجرد و دارای تحصیلات فوق‌دیپلم موضوع این ضرورت را این گونه مطرح می‌کند:

"... یه مقدار اعتبار معنوی تو محل و این‌ور اون‌ور، یه چیزی لازمه که مثلاً بالاخره تو محل فردا می‌یان تحقیقات بکنن، نگن مثلاً نمی‌شناسم یا نمی‌دونم. بالاخره حداقل دو رکعت نماز تو مسجد محل خونده باشی فردا یه موقع نگند نمی‌دونم ...". (۱۵-۱۴۴)

علاوه بر اعتبار اجتماعی، پشتیبانی خانواده از فرد در مقدمات ازدواج نیز از جمله این مزیت‌های اجتماعی است. دختر خانم مجرد ۲۰ ساله دانشجوی رشته داروسازی در شرح مقدمات ازدواج به پشتیبانی خانواده اشاره می‌کند، هر چند در مقایسه با سایر مقدمات ازدواج اهمیت کمتری برای آن قائل است (۱۶-۹۴).

اعتبار اجتماعی آنقدر مهم است که حتی می‌تواند در هیئت یک کد محوری نیز ظاهر شود، زیرا تعیین‌کننده بسیاری از موقعیت‌ها از جمله وضعیت کار و ازدواج است. از این منظر اعتبار اجتماعی وضعیت تحصیل، کار و ازدواج را تعیین می‌کند.

اگر انواع مزیت‌های اجتماعی با اگماض سرمایه اجتماعی تلقی شود می‌توان گفت سرمایه اجتماعی از مهمترین جنبه‌های مقدمات ازدواج است. عملکرد سرمایه اجتماعی بسیار پیچیده می‌نماید، زیرا انواع مختلف آن اثرات متفاوتی بر کار یا ازدواج باقی می‌گذارد. مثلاً به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی خانواده

نسبت به سرمایه اجتماعی خود فرد اثر تعیین‌کننده‌تری بر کار یا ازدواج و یا مواردی مثل آن داشته باشد. در موارد متعددی سرمایه اجتماعی به عنوان زمینه یافتن شغل یا باقی ماندن در کسب و کار مناسب معرفی می‌شود- از جمله در مصاحبه با آقای متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است و نیز در مصاحبه با دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی داروسازی که در خوابگاه زندگی می‌کند.

مقدمات اجتماعی می‌تواند داشته‌های مادی و غیرمادی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال، توانایی فرد در تأمین هزینه‌های ازدواج را افزایش دهد. در موردی از مصاحبه‌ها فرد علیرغم ناتوانی خود و والدین در تأمین هزینه‌های ازدواج به کمک دیگر اعضای خانواده و یا خویشاوندان امیدوار است. آقای جوان بیست و دو ساله کارگر که در تهران به همراه برادر خود زندگی می‌کند و در جستجوی کار بهتر است، در باره چگونگی تأمین هزینه‌های ازدواج خود اظهار می‌دارد:

"خب یه مقداری از خودم، یه مقداری هم خانواده برادران کمک می‌کنند. بالاخره اگه ما هم بخوایم ساده بگیریم چه جوری بگم شاید کسی باشه کمک کنه یه مقدار مثلاً آبرومندانه‌تر برگزار شه. اینجوری مثلاً کسی باشه که هوامون و داشته باشه شاید تو خونواده". (۳-۱۲۹)

سرمایه اجتماعی می‌تواند در عین حال با ایجاد اعتماد به نفس ظرفیت‌های فرد را در مدیریت موقعیت ارتقا دهد. موارد متعددی وجود دارد که در آن فرد بر اهمیت مشورت‌های خانواده و نظارت آنها بر مدیریت ازدواج خود تأکید می‌کند. پسر دانشجوی ۲۸ ساله در شرح اهمیت پشتیبانی خانواده از وی و نقشی که آنها در ایجاد اعتماد به نفس برای وی دارند، می‌گوید:

"... خانواده به شدت به من ایمان دارند، اعتقاد دارند و اعتماد به انتخابم و می‌دونند که مسیررو درست می‌رم ...". (۲-۱۳۵)

"... مطمئناً خانواده اگه مالی ام کمک نخوام، حداقل فکری باید کمکم کنن، چون خودشون کوهی از تجربه‌ان. مثلاً دو تا پسر چی می‌گن زن دادن یا عروس گرفتن. به هر حال خیلی کمکم می‌تونن بکنن. حالا شاید مالی ام کمک نکردن، ولی حداقل می‌گم فکری خیلی می‌تونن دخیل باشن ...". (۲-۱۶۳)

در نهایت می‌توان مقدمات ازدواج را در سه مقوله اصلی مقدمات غیرمادی یا ذهنی و معنوی، مقدمات مادی یا عینی و مقدمات اجتماعی که متناظر با داشتن اعتبار و سرمایه اجتماعی است جای داد. سه گونه مقدمات ازدواج قابل تبدیل به یکدیگرند و می‌توانند جای همدیگر را پر کنند یا به یکدیگر تبدیل شوند. مقدمات مادی می‌تواند به اعتبار اجتماعی تبدیل شود، همانطور که مسئولیت‌پذیری و بلوغ فکری نیز به نوبه خود

می‌تواند به برخورداری مادی و یا اعتبار اجتماعی تبدیل شود. شایان ذکر است در اولویت دادن به جنبه‌های مادی، غیرمادی و اعتبار اجتماعی پاسخگویان اشارات متفاوتی دارند؛ به گونه‌ای که گروهی از آنها به جنبه‌های غیرمادی و گروهی نیز به جنبه‌های مادی اولویت می‌دهند. در این باره اعتبار اجتماعی کمتر به عنوان مهمترین مقدمه ازدواج مورد ارجاع است.

مقدمات ازدواج و طبقه

مقدمات ازدواج در بین طبقات مختلف جنبه‌های بسیار متفاوتی می‌یابد. علیرغم آنکه تمام طبقات به جنبه‌های مادی در مقدمات ازدواج اشاره می‌کنند، اما شدت توجه طبقات پایین به این مقوله بیشتر است. نیز توجه به جنبه‌های ذهنی بیشتر در بین طبقات متوسط و بالا مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، اشاره آشکاری از سوی جوانان طبقه پایین (دو جوان سرباز زیر دیپلم) به حتی ضرورت تأمین مسکن در قبل از ازدواج موجود است - امری که در طبقات متوسط و بالا دیده نمی‌شود. توجیه آنها در این مسئله به پیش‌بینی ناپذیری کار و زندگی آینده ایشان مربوط است که حتی امکان اجاره منزل را به آنها نمی‌دهد و بنابراین بنا به ضرورت بر اول تهیه خانه‌ای برای سکونت و سپس ازدواج تأکید می‌کنند. جوان سرباز زیر دیپلم شرح می‌دهد که در تأمین هزینه‌های زندگی خود و از جمله مسکن آنچنان در شرایط پیش‌بینی ناپذیری است که بر اساس آن حتی نمی‌تواند به خانه اجاره‌ای در مدیریت زندگی خود فکر کند:

"من منتظر اینم که بعد از خدمت یه کاری انجام بدم و درآمدی داشته باشم که بتونم یه خونه‌ای بخرم، بعد ازدواج کنم و گر نه غیر این باشه، نمی‌شه ازدواج کرد. ... اگه کارمون همین کار ساختمونی باشه، باید یه پنج شش سالی انجام بدیم تا یه درآمد درست و حسابی و پس‌اندازی داشته باشیم که بتونیم خونه بخریم و گر نه اگه بخوایم بعد یه سال، دو سال انجام بدیم نمی‌شه. ... اجاره‌ام می‌شه کرد، ولی مثلاً اجاره باید هر ماه یه پولی در یه کار دائمی داشته باشی تا بتونی اجاره بدی. اگه کار دائمی نداشته باشی، اجاره نمی‌شه درآورد داد. کار ساختمانی در حدی یه که مثلاً نمی‌شه پیش‌بینی کرد این ماه چقدر کار می‌کنی، این ماه می‌تونی کار کنی یا نه و این ماه می‌تونی این اجاره‌ای که می‌خوای به این خونه بدی در بیاری یا نه؛ ولی اگه بتونی چند سال کار کنی و یه درآمدی داشته باشی که بتونی یه خونه‌ای بخری واسه خودت باشه، دیگه بعدش راحتی. می‌گی اگه این کار نشد می‌رم سر کار دیگه‌ای. حالا درآمد حالا کمتر یا بیشتر فرق نداره. یه جوری زندگی را می‌چرخونیم، ولی مال اجاره باید هر ماه اون حدی که بخوای اجاره بدی - پولی که می‌خوای واسه اجاره بدی - اونو باید در بیاری که با این کار نمی‌شه پیش‌بینی کرد اونو بتونی در بیاری..."

نمی‌شه پیش‌بینی کرد بتونی اون پولی که می‌خوای اجاره بدی، در بیاری و خرج زندگی‌رم بدی ... اگه می‌خوای خونه اجاره داشته باشی و خونه اجاره‌ای بری زندگی کنی باید یه کار دائمی داشته باشی که مثلاً درآمدش حدی باشه که هم بتونی با اون خرج زندگی رو بدی و هم خرج اجاره و اینا را بدی". (۱۲-۱۸۱ تا ۱۹۱)

بدین ترتیب می‌توان گفت برای فردی از طبقه متوسط یا بالا مقدمات ازدواج بیشتر امری ذهنی و برای افرادی از طبقات پایین، امری کاملاً عینی و مربوط به شرایط مادی است. مرد جوان بیست و هفت ساله‌ای که دارای مدرک لیسانس در مدیریت پروژه و از طبقه متوسط بالاست علیرغم تأکیدی که بر جنبه‌های مادی در مقدمات ازدواج دارد، در باره جنبه‌های غیرمادی یا ذهنی می‌گوید:

"خب قاعدتاً باید یه مسکنی داشته باشن، یک شغلی داشته باشند یا ... امنیت احساس بشه برا آدم. بعد از نظر فکری، فرد باید درک کنه ماهیت ازدواج رو و درک کنه که چه می‌دونم صرفاً یه رابطه جنسی نیست، بلکه یک تفکره و یک ایده است که شما باید کلاً زندگی‌تون تغییر بدی. یه زندگی مشترکه که کاملاً برای پیشرفت خودتم لازم داری نه یک چیز دیگه‌ای. مثلاً شما ازدواج می‌کنی واقعاً تو پیشرفت زندگی‌ت تأثیر داره. (۱۴-۱۲۶)

نکته با اهمیت دیگر در تأمین مقدمات ازدواج سهم بیشتر مسئولیت فردی در بین طبقات پایین به نسبت سایر طبقات است. آشکارا در خانواده‌های با منشأ طبقاتی پایین‌تر که امکانات مالی محدودتری دارند، فراهم آوردن بخش مهمی از مقدمات ازدواج به عهده خود فرد خواهد بود. به عبارت دیگر، در طبقات پایین فرد بیش از سایر طبقات مجبور به ساختن ازدواج خود می‌شود- مصاحبه با آقای متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است (۷-۱۴۸). آقای ۴۰ ساله مجرد کارمند در بخش دولتی در باره نقش خود در ساختن ازدواج خود می‌گوید:

"سعی می‌کردم که از خانواده‌ام نخوام مثلاً کمکی بگیرم. سعی می‌کردم خودم کارام و انجام بدم". (۴-۲۲۶)
"از خانواده قاعدتاً کمکی نخواهم گرفت؛ یعنی خرجی‌یه و هزینه‌ای‌یه که خودم باید انجام بدم". (۴-۱۷۲)

مقدمات ازدواج و جنسیت

مقدمات ازدواج برای خانم‌ها و آقایان متفاوت است. خانم‌ها تأکید بیشتری بر جنبه‌های ذهنی و حتی سرمایه اجتماعی دارند، در حالی که در بین آقایان تأکید بر جنبه‌های عینی و مادی فراوان‌تر و عیان‌تر است.

دختر خانم ۲۷ ساله مجرد با کار تمام وقت که دانشجوی فوق لیسانس است در شرح مقدمات ازدواج اظهار می‌دارد:

"... تو ایران که ما داریم الان زندگی می‌کنیم، برای ازدواج بیشتر خانواده پسر باید آمادگی رو داشته باشه؛ پسر باید پا پیش بذاره و اون آمادگی - حالا چه سربازی یه، کاره، درس شه، درآمده - را داشته باشه. بیشتر تو جامعه ایران جا افتاده که اگه خانم کار می‌کنه، واسه خودش درآمده، واسه خودش پیشرفتش. من ام فکر می‌کنم من بیشتر از نظر ذهنی و روحی باید رو خودم کار کنم". (۱۹-۱۶۲)

خانم‌ها هنگامی که از آماده بودن یا نبودن برای ازدواج می‌گویند، بیشتر بر جنبه‌های ذهنی توجه دارند - اگرچه جنبه‌های مادی را نادیده نمی‌گیرند. دختر خانم مجرد ۲۰ ساله دانشجوی داروسازی که از طبقه متوسط بالاست، بر بالغ شدن از نظر فکری تأکید می‌کند و می‌گوید:

"بیست و پنج شیش سالگی ... یا شاید هم بالاتر، بیست و شش سالگی ... آخه با توجه به زندگی‌ای که تا الان داشتم احساس می‌کنم اون موقع باشه که آماده باشم دیگه برای ازدواج. الان هم حس می‌کنم یه ذره بچه هستم. بعد اینکه تحصیلات ام تموم بشه و برنامه‌هام اینجوری پیش بره، تا اون موقع فکر می‌کنم که آماده بشم آدم بالغی بشم". (۱۶-۷۴)

البته، همانطور که یادآوری شد، خانم‌ها علیرغم توجه به جنبه‌های غیرمادی به جنبه‌های مادی نیز توجه دارند. خانم سی و یک ساله مطلقه و دانشجوی رشته پرستاری در این باره اظهار می‌دارد:

"من از نظر فکری کاملاً آمادگی دارم، ولی نه آمادگی مالی دارم برای خودم، نه آمادگی شغلی دارم و نه هنوز درس تموم شده. پس اگر بخوام اینو بنده‌ام به این زمانی که دارم می‌گم باید بره تا اون ور سی و پنج سال این قضیه". (۱۷-۱۳۲)

شایان ذکر است که در مورد خانم‌ها، وجود خواهان و خواستگار امر ضروری و اولیه ازدواج است که تا حدودی متأثر از اعتبار اجتماعی فرد و خانواده است. در موارد مختلف بر ضرورت وجود فرد مناسب و یا آشنا شدن با فرد مناسب تأکید می‌شود.

راهبردهای جوانان در رو به روشن شدن با ازدواج

راهبردهای جوانان در رو به روشن شدن با ازدواج برآمده از دو جهت‌گیری کلی است که در برگیرنده دو سر طیف برخورد جوانان با مسئله ازدواج نیز هست. این دو راهبرد شامل اول ازدواج یکباره و دوم ازدواج پیش‌بینی شده یا برنامه‌ریزی شده است.

راهبرد ازدواج یکباره

راهبرد اول شامل رودررویی یکباره و اتفاقی با مسئله ازدواج است که البته گاهی با ازدواج زودهنگام نیز همراه است. در این راهبرد دل به پیش آمدها داده می‌شود و اینکه سرنوشت برای فرد چه عاقبتی را رقم زده است. تصمیم‌گیری در مورد ازدواج یکباره صورت می‌پذیرد و مدیریت موضوع نیز بنا بر آنچه که پیش می‌آید رقم می‌خورد. در این وضعیت خبری از برنامه‌ریزی پیشین برای ازدواج کردن نیست و ازدواج نیز براساس آمادگی قبلی و از پیش تعیین شده صورت نمی‌پذیرد. در بعضی مصاحبه‌ها استدلال می‌شود که راهبرد ازدواج یکباره و زود هنگام باعث می‌شود که جوانان زودتر به بلوغ و پختگی برسند و بنابراین زودتر نیز سر و سامان بیابند. آقای جوان بیست و پنج ساله مجرد دارای مدرک لیسانس برق که در حال خدمت سربازی است، در این باره می‌گوید:

"... من اینو به خانواده گفتم. گفتم وقتی یکی تو زندگیت باشه، زندگی کردنت هم عوض می‌شه و فرق می‌کنه؛ بیشتر می‌ری دنبال کار، بیشتر می‌ری دنبال زندگی، کمتر مثلاً رفیق‌بازی می‌کنی، اما وقتی که کسی نباشه، شما هیچ شور و شوقی نداری. همون زندگی عادی خودتو می‌ری و به قول معروف می‌گی حالا ازدواج کنم نکنم، دنبال کار برم نرم، باز خودمم دیگه. به قول معروف هیچ پله ترقی‌ای نداری ...". (۸-۹۴)

مطابق تعبیر وی، کسی که در مسیر ازدواج قرار می‌گیرد، اجباراً خود در کار ساختن آینده خود می‌شود. بنابراین زودتر نیز به سامان می‌رسد و زندگی‌اش با سرعت بیشتری نظم می‌یابد. براساس نگاه عمل‌گرایانه وی، در واقع خود ازدواج است که افراد را به بلوغ می‌رساند.

آقای در شرف ازدواج ۲۸ ساله کارمند شرکت بیمه که دارای مدرک لیسانس است در نقد کسانی که دارای ازدواج کاملاً پیش‌بینی شده هستند و اینکه برنامه‌ریزی کامل اصلاً امکان‌پذیر نیست، اظهار می‌دارد:

"هستن کسایی که می‌گن من باید به اون رفاه کامل برسم تا بعد برم سراغ مسئله ازدواج. مثلاً می‌پرسم می‌گم شما رفاه کامل را تو چی می‌بینید؟ ... به یک همچین سطح رفاهی رسیدن خیلی زمان بره خیلی سخته و خیلی شرایط خاص می‌خواد. اگر کسی بخواد از طریق کار کردن خودش، تلاش خودش به این جایگاه برسه خیلی نیاز داره که به شدت تلاش فراوانی داشته باشه. به قول معروف گفتنی، یه شبه به دست نمی‌آد". (۱۱-۱۷۰)

بنابر منطق وی، آنها که منتظر تأمین همه شرایط و مقدمات هستند تا ازدواج کنند، هیچوقت ازدواج نخواهند کرد؛ چون رفاه هیچگاه کامل نخواهد شد و هیچگاه همه چیز فراهم نخواهد بود. مطابق با چنین نگاهی برای ازدواج باید یکباره وارد گود شد و در میدان زندگی با مشکلات رو به رو گشت. از این منظر موفقیت

در تأمین رفاه تنها پس از ازدواج و با مدیریت زندگی به دست خواهد آمد. همان آقای در شرف ازدواج ۲۸ ساله کارمند شرکت بیمه در باره رویه‌ای که مطابق آن فرد با قناعت مقدمات ازدواج را فراهم می‌کند، می‌گوید:

"... اما یه عده هستند می‌گن ما باید همه اون مسائل اقتصادی و رفاه نسبی رو داشته باشیم - یه درآمدی که از پس خرج و مخارج زندگی بر بیایم و بتونیم طرف مقابل را راضی نگه داریم، از پس مسکن ام، اجاره‌اش و چیزای دیگه در حد نرمال بر بیام - مسلماً اون آدم وقتی به خودش خیلی آسونتر می‌گیره و خیلی مسئله را سخت نمی‌گیره، مسلماً زودتر شرایط رو برا ازدواج خودش مهیا می‌کنه تا اون شخصی که می‌گه من باید به این رفاه برسم". (۱۱-۱۷۰).

راهبرد ازدواج پیش‌بینی شده یا فکر شده

راهبرد دیگری که در نقطه مقابل ازدواج یکباره نمایان است، راهبرد ازدواج فکر شده یا پیش‌بینی شده است. راهبرد ازدواج پیش‌بینی شده مبنی بر رسیدن به پختگی و بلوغ قبل از تصمیم به ازدواج و نیز چنگ زدن به رفتاری عقلانی در انتخاب و ازدواج است. آقای سی و شش ساله مجرد و دارای تحصیلات فوق‌دیپلم پختگی و بلوغی را که ازدواج عقلانی نیازمند آن است، این‌گونه توصیف می‌کند:

"پخته بودن... بالاخره فردا فرض مثال یه اختلاف خونوادگی پیش میاد، یه مشکل مالی پیش میاد، یه وضعیت اقتصادی تو مملکت پیش می‌آد، شما کارت افت میکنه، درآمدت فلان می‌شه باید با خانمت بتونی از عهده‌اش بر بیای. بی پول شدی بتونی چه جوری بچرخونی. فردا اون کانون و چارچوب خانوادت به هم نریزه، احترامات سرجاش بمونه، بی ادبی نشه خدا نکرده، اون احترام از وسط برداشته نشه. دیگه آدمی هم که بخواد اینجوری باشه باید یه مقدار تجربه یا پختگی داشته باشه. آدمی که بیست و هشت سالشه، با آدمی که بیست و دو سالشه تجربه‌شون خیلی فرق داره". (۱۵-۱۰۶)

بر اساس راهبرد ازدواج فکر شده تا مقدمات ازدواج حاصل نشود، ازدواج نیز امری بیهوده خواهد بود. فراهم آوردن مقدمات و زمینه‌های مناسب ازدواج، ضرورت هر تصمیمی در این باره خواهد بود. موارد مختلفی از تأکید بر این راهبرد در جوانان وجود دارد. آقای چهل ساله مجرد کارمند در بخش دولتی در باره ضرورت آمادگی برای ازدواج می‌گوید:

"از نظر معنوی سعی کردم که خودم را به اون سطح برسونم که ... بتونم یه خانواده رو مدیریت کنم از تمام جنبه‌هاش و عرض شود خدمتتون که از نظر مالی هم سعی کردم خودم رو به یه سطحی و تثبیتی برسونم که مشکلی ایجاد نشه تو زندگی...". (۴-۷۶)

وی بر این اساس تأکید می‌کند که تا آمادگی لازم را نیافت، به ازدواج نیز فکر نکرد:

"من تا ۳۰ سالگی به صورت جدی به ازدواج فکر نمی‌کردم، چون فکر می‌کردم که ... پایه‌های اقتصادی برای ازدواج هنوز محکم نشده و سعی می‌کردم که از خانواده‌ام نخوام مثلاً کمکی بگیرم. سعی می‌کردم خودم کارام و انجام بدم ...". (۲۲۶-۴)

به همین ترتیب، آقای جوان بیست و پنج ساله مجرد که دارای مدرک لیسانس برق و در حال خدمت سربازی است، می‌گوید:

"من تا شرایط زندگی و نداشته باشم - حالا چه تو چهل سالگی چه تو سی و پنج سالگی - جلو اصلاً نمی‌رم، چون شرایط ازدواج الان خیلی سخت شده". (۱۱۶-۸)

آقای در شرف ازدواج ۲۸ ساله کارمند شرکت بیمه که دارای مدرک لیسانس است، پیش‌بینی خود را در آمادگی برای ازدواج این گونه شرح می‌دهد:

"من خودم چون یه چند سالی قبل از ازدوادم مشغول به کار بودم تا حدودی پس‌انداز داشتم؛ یعنی سعی می‌کردم چون پیش‌بینی می‌کردم و برنامه‌ریزی می‌کردم برای زندگی خودم که احتمالاً اش هست فردا یا یکسال یا ده سال دیگه باشه - چون به هر حال می‌خواستم که اینکار رو بکنم یعنی بالاخره یه روزی می‌رسه که من باید ازدواج بکنم - برای این شرایط خودم رو مهیا کردم. نیاز بود که پس‌انداز بکنم، البته یه مقداری پس‌انداز خودم داشتم و زمانی که مسائل ازدواج و تأهل پیش آمد، سعی کردم این پس‌اندازها را بیشتر بکنم - حالا از طریق گرفتن تسهیلات بانکی و وام و این مسائل و تا حدودی هم کمک خانواده ...". (۱۱۷-۱۱)

خانم سی ساله متأهل و دانشجوی دکترا در برنامه داشتن و هدفدار بودن ازدواج خود اظهار می‌دارد:

"کاملاً با هدف بود. همینطوری که اصلاً نبود، چون ما دو سال همینجوری داشتیم همدیگه رو می‌شناختیم". (۲۲۹-۱۳)

سرانجام خانم ۲۷ ساله متأهل با مدرک فوق‌لیسانس که کار حق‌التدریسی دارد، در شرح با برنامه بودن ازدواج خود می‌گوید:

"کاملاً با هدف و مشخص بود، نه همینطوری ... برنامه‌ام داشت آره ... بخاطر اینکه از روز اولی که تصمیم گرفتیم، خواستگاری با هدف بود و من با برنامه به آینده فکر کرده بودم. اون آدمو می‌شناختم. اون جوری نبود که بی‌هدف بخوام ازدواج کنم". (۲۸۳-۲۰)

طبقه و راهبردهای جوانان در رو به روشن شدن با ازدواج

هر چند بخش مهمی از تصمیم‌گیری در باره ازدواج وابسته به سطح طبقاتی فرد و چگونگی تأمین مقدمات ازدواج است، اما مطالعه نشان می‌دهد که انواع مختلفی از راهبردهای رو به رو شدن با ازدواج در طبقات متفاوت قابل مشاهده است. این در حالی است که از منظر جوانان دیدگاه‌های مختلفی در این باره وجود دارد. به عنوان مثال، آقای سی و شش ساله مجرد و دارای تحصیلات فوق‌دیپلم در گفتگو از سن مناسب ازدواج، دو رویه متفاوت رو به رو شدن با ازدواج را این گونه شرح می‌دهد:

"دو تا شرایطه؛ یکیش تو این شرایطه ... که وضع مالی مشکل نداره - طرف فرض مثال توی خانواده‌ای به که از نظر مالی هیچ مشکلی نداره و مسکن و اینا همه چی براهه - به نظر من تو اون سن بیست و دو بیست و سه خیلی خوبه، چون اون آدم از لحاظ مالی مشکل نداره ازدواج زودتر موفق‌تر می‌شه، زود پخته‌تر می‌شه، زود وارد اجتماع می‌شه. بعد کسی هم که نه بخواد خودش بسازه، بیست و هشت، سی، سی و دو آره نظر شخصی ام همینه. نمی‌دونم حالا شاید چون کسی که می‌خواد خودش بسازه، باید پخته باشه دیگه یه ذره سرد و گرم و چشیده باشه که فردا تو زندگی به یه مشکلی خورد، کم نیاره، پس نزنه. بالاخره فردا دختر مردم با هزار تا آرزو می‌آد خونهت". (۱۵-۱۰۴)

از این منظر مسئله تصمیم‌گیری در باره ازدواج به وضعیت طبقاتی فرد ارجاع می‌یابد و اینکه افراد برآمده از طبقات بالاتر، زودتر و افراد دارای سطح طبقاتی پایین‌تر، دیرتر ازدواج می‌کنند.

جنسیت و راهبرد جوانان در رو به روشن شدن با ازدواج

به شکل منحصر به فردی، راهبرد جوانان در رو به رو شدن با ازدواج به شدت تابع جنسیت آنهاست. علیرغم تمام عواملی که ازدواج را پیش‌بینی‌ناپذیر می‌سازد، برای خانم‌ها جنبه‌های پیش‌بینی‌ناپذیر نسبت به آقایان بسیار بیشتر و البته تعیین‌کننده‌تر است. این امر از آنجا برمی‌آید که تصمیم به ازدواج برای خانم‌ها علیرغم وابستگی به عوامل مختلف به شدت تابع وجود خواستگار و خواهان است. به همین دلیل تصمیم به ازدواج برای خانم‌ها در اختیار خود آنها نیست. این در حالی است که برای آقایان شروع رو به رو شدن برای ازدواج و تصمیم‌گیری در این باره در اختیار خود ایشان است. از این منظر، پیش‌بینی‌ناپذیری بخش ذاتی ازدواج خانم‌هاست. این امر هر چند در ازدواج سنتی پررنگتر است، اما حتی در ازدواج مدرن نیز که با فردگرایی و تظاهرات رومانیتیک نیز همراه است، نمایان است و وجود خود را تحمیل می‌کند. این امر خانم‌ها را در نوعی تعلیق قرار می‌دهد و اینکه بیش از آنکه به تصمیم در این باره فکر کنند چشم انتظار بمانند تا سرنوشت برای ایشان چه رقم زده باشد. در تقریباً تمامی مصاحبه‌های خانم‌های جوان به نحوی

مسئله خواستگار و خواهان خود را می‌نمایاند. در این مورد اشاره می‌شود که تا خواستگار مناسب نباشد آنها نیز به ازدواج فکر نمی‌کنند.

رو به رو شدن با ازدواج بین دو رویه ازدواج یکباره و پیش‌بینی شده

بررسی متن مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از جوانان پیش‌بینی و زمان‌بندی مشخصی برای ازدواج ندارند. آقای جوان بیست و هفت سال‌های که دارای مدرک لیسانس در مدیریت پروژه است، در باره پیش‌بینی خود از زمان و سن ازدواجش می‌گوید:

"قبلاً تا بیست و دو سالگی بود، ولی حالا می‌گیم سی سالگی و اینها تا خدا چی بخواد". (با خنده) (۱۴-۲۰۳)

خانم سی و یک ساله مطلقه و دانشجوی رشته پرستاری در این باره اظهار می‌دارد:

"... نه آمادگی مالی دارم برای خودم و نه آمادگی شغلی دارم نه هنوز درسم تموم شده. پس اگر بخوام اینو بندازم به این زمانی که دارم می‌گم، باید بره تا اون ور سی و پنج سال این قضیه". (۱۷-۱۳۲)

آنها در این مورد منتظرند ببینند چه پیش می‌آید تا پس از آن تصمیم بگیرند که چه کنند و چگونه ازدواج خود را مدیریت کنند. دو جوان سرباز زیردپلم برنامه خود را در ازدواج این گونه شرح می‌دهند:

"بله دیگه، بعد خدمت منتظریم ببینیم چی می‌شه. کاری پیدا کنیم که درآمدش خوب باشه، یه خونه‌ای بخریم، بعد اگر شرایط مون جور شد و درآمدمون خوب بود، بریم ببینیم طرف مقابل اگر راضی بود با وضع زندگیمون، ازدواج کنیم. دیگه در این حدیم". (۱۲-۱۶۴)

آشکارا راهبرد آنها در این مورد، "رو به رو شدن با آنچه که پیش می‌آید" است. آنها در باره در نظر گرفتن فرد مناسب برای ازدواج نیز بر پیش‌بینی ناپذیری این موقعیت تأکید می‌کنند:

"نه فعلاً که وضع طوریه که نمی‌شه مثلاً کسی رو در نظر گرفت؛ اگه کسی و در نظر بگیری می‌بینی بعد یک سال، بعد درس الان طوری شده که دخترها به یه سنی می‌رسن - سن چهارده پانزده سالگی - ازدواج می‌کنن. نمی‌شه پیش‌بینی کرد مثلاً این دختر که در نظر گرفتی، بمونه یا نمونه. در این حده. باید موقعیت اون برسه و انتخاب کنیم کسی را". (۱۲-۲۱۱)

تجربه جوانان متأهل نیز گواه آن است که ایشان نه کاملاً حساب شده، بلکه بنابر آنچه که اتفاق می‌افتد و براساس آنچه که پیش می‌آید تصمیم به ازدواج می‌گیرند. آشکار است که نقطه عزیمت آنها در تصمیم گرفتن برای ازدواج، پدید آمدن علاقه به دیگری بوده که بعدها به ازدواج ختم شده است. از این منظر، جوانان بیشتر از خلال روابط عاشقانه ازدواج می‌کنند. شاید به همین دلیل است که در بیشتر ازدواج‌ها فرد

به یکباره با ازدواج رو به رو می‌شود. آقای در شرف ازدواج ۲۸ ساله که دارای لیسانس و کارمند شرکت بیمه است، داستان آشنایی و ازدواج با همسر خود را این گونه روایت می‌کند:

"... هم دانشگاهی بودیم و تو همون مسائل درسی آشنا شدیم. چون من توی دانشگاه تغییر رشته داده بودم - از علوم تجربی اومده بودم به علوم انسانی - درس های محاسباتی ام مثل ریاضی و آمار و نمی‌دونم تحقیق در عملیات و یه سری در سهای تخصصی که تو رشته تحصیلی خودمون داشتیم، خوب بود. تو دانشگاه تا حدودی تدریس می‌کردم و همان جا با خانومم اولین بار آشنا شدم. یه تقریباً چهار پنج تا از دوستای دانشگاهمون بودن که قرار بود من بهشون آموزش بدم، اونجا باهاشون آشنا شدم؛ یه شناخت خیلی جزئی پیدا کردیم. بعد احساس کردم که اون می‌تونه انتخاب مناسبی باشه که من می‌تونم داشته باشم." (۹۶-۱۱)

به همین ترتیب خانم سی ساله متأهل و دانشجوی دکترا روایت خود از داستان آشنایی و ازدواج با همسر خود را چنین شرح می‌دهد:

"ما هم دانشکده‌ای بودیم. هم ورودی بودیم، ولی رشته‌هامون متفاوت بود. عرضم به حضورتون تا تو خود دوره در واقع لیسانس و فوق لیسانس فقط در حد سلام و علیک بود. می‌شناختیم همدیگه رو. من آخر پایان‌نامه‌ام کار آماری‌اش چون می‌دونستم ایشون آمارش خوبه بردم که مثلاً یه چکی بکنن. ایشون هم که چک کردنشون همانا و (با خنده) دیگه یه آره آشنایی‌ای باز شد." (۱۳-۱۲۵) ... [لیسانس و بعدش هم فوق لیسانس توی همون دانشکده بودیم. آشنایی مون که صمیمی بشیم در واقع با اتمام فوق لیسانس (۲) شروع شد." (۱۳-۱۲۷)

وی نتیجه می‌گیرد:

"آشنایی مون یه مقداری یه هوایی شد. اینجوری نبود که مثلاً همسر من با برنامه‌ریزی باشه و مثلاً بگه که من می‌خوام با فلانی آشنا شم. یه خرده به خاطر همون که برای پایان‌نامه‌ام رفتم پیش‌اش، شاید جلب نظر کردیم (۱۳-۲۳۱) ... خوب یه مدتی دوست بودیم و می‌رفتیم بیرون و اینور و اونور؛ سینما و تفریح و نمی‌دونم از این جور جاها - یا تو جمع دوستان مثلاً باهم می‌رفتیم که بیشتر بتونیم رفتارهای هم رو ببینیم اینجوری (۱۳-۱۲۹) ... آخه چون دوره این دوستی مون خیلی طولانی شد - تقریباً دو سال و چند ماه شد - به نظر خودم خیلی شناخت کاملی پیدا کردم؛ یعنی تقریباً می‌تونم بگم بعد از اینکه ازدواج کردم و رفتیم زیر یک سقف، هیچ چیز جدیدی از ایشون من نتونستم بشناسم. (۱۳-۱۳۱) ... آخه اول که اصلاً ما با هم

آشنا شدیم، همسر من پیشنهاد کرد که من اصلاً برم آشنا بشم به هدف ازدواج. اول همدیگر رو بشناسیم، آگه به درد هم می خوردیم، ازدواج کنیم. بنابراین از اول خانواده من می دونستن که با یه چنین رویکردی هست. ولی اینکه مثلاً حالا بعد از چند وقت دقیقاً این شخص و دیدن، فکر می کنم یه پنج ماه مثلاً گذشت تقریباً تا اینکه مثلاً یه روز با مادرم رفتیم بیرون و ایشون و دید." (۱۳-۱۵۹)

خانم ۳۱ ساله مطلقه در حال تحصیل در رشته پرستاری نیز روایت خود را از این موضوع این گونه تشریح می کند:

"ما توی دانشگاه آشنا شدیم". (۱۷-۱۱۲)

"توی دانشگاه، تو یک تجمع دانشجویی با هم آشنا شدیم؛ تو یک تجمع دانشجویی که توی دانشگاه عادی بود با همدیگه آشنا شدیم. ایشون از یه دانشکده دیگه و من از یه دانشکده دیگه بودم. ما با همدیگه شروع کردیم به صحبت کردن. از همدیگه خوشمون اومد، ولی من اصلاً این علاقه و خوش اومدن رو حتی با اینکه سن ام پایین بود نداشتم به این حساب که قطعاً باید با این آدم ازدواج کنم. اون موقع ام تردید داشتم. ادامه که می دادم متوجه می شدم ایشون خیلی آدم مؤدبی اند، از خانواده بسیار خوبی هستن، ادب کامل دارن، سواد کامل دارن و بی اندازه هم آدم با حیا و پاکی هستن. این باعث شده بود که من کاملاً موافقت داشته باشم. ایشون هم طبیعتاً در من یه چیزهایی مثبتی دیده بود که اون موقع پذیرفت که با من ازدواج کنه. (۱۷-۱۱۸)

سرانجام خانم ۲۷ ساله متأهل با مدرک فوق لیسانس که کار حق التدریسی دارد در روایت داستان آشنایی با همسر خود و نیز شرح چگونگی تصمیم به ازدواج خود می گوید:

"یکی از دوستان ما را به هم معرفی کرد و ما با هم دوست شدیم. تقریباً یه سال و نیم قبل از عقدمون". (۲۰-۱۸۵)

"توی موقعیت های خیلی مختلف شناخت پیدا کردم. بعد توی موقعیتهای مختلف سنجدیم اش". (۲۰-۱۹۱)

علیرغم تمام مواردی که به عنوان شاهد بدان پرداخته شد، بررسی ها آشکار می سازد که رو به رو شدن یکباره با ازدواج که چنین مورد ارجاع مصاحبه شوندگان است، تمام ماجرا نیست. مقایسه مصاحبه ها آشکار می کند که تقریباً در تمام موارد فوق، علیرغم پیش آمدن یکباره ازدواج، تصمیم گرفتن برای ازدواج سرشار از برنامه ریزی و نیز اقدام به پیش بینی و اداره موقعیت است. به عنوان مثال، همان جوان بیست و هفت سال

های که دارای مدرک لیسانس در مدیریت پروژه است و ازدواج خود را به آنچه که پیش می‌آید احاله می‌دهد، معتقد است که تا به مرحله با ثبات از نظر شغلی نرسد، ازدواج نخواهد کرد. وی سال‌ها کار کرده و پس‌انداز اندوخته است تا در زمان معهود قادر به مدیریت ازدواج باشد. همین وضعیت در مورد جوان ۲۵ ساله سرباز که دارای لیسانس برق است نیز مصداق دارد. به همین ترتیب، جوان سرباز زیردپلم که چشم‌انداز روشنی از حیث شغلی برای آینده ندارد و عرصه ازدواج را کاملاً پیش‌بینی ناپذیر می‌بیند اظهار می‌دارد که نه تنها تا یافتن شغل مناسب، بلکه حتی تا آن زمان که امکان خریدن خانه را بیابد به ازدواج فکر هم نخواهد کرد. نیز آقای جوان کارمند بیمه علی‌رغم آنکه اظهار می‌دارد ازدواج وی به یکباره پیش آمده است، اما بر پشتوانه‌ای از برنامه‌ریزی بسیار طولانی مدت که ثمره سال‌ها پس‌انداز است اشاره می‌کند. وی در ذکر وجود هر دو جنبه برنامه‌ریزی و پیش‌بینی ناپذیری در ازدواج خود اظهار می‌دارد:

"ما از زمان دانشجویی که حالا با هم صحبت می‌کردیم و مثلاً تصمیم به این کار گرفتیم، خوب به برنامه‌ریزی کلی انجام داده بودیم، اما هیچوقت قطعی نکرده بودیم که مثلاً فلان تاریخ یا فلان سال ما این برنامه رو اجرایی می‌کنیم. اتفاقاً خیلی خیلی خیلی خیلی خیلی اتفاقی و یه‌هوایی پیش آمد مراسم به اصطلاح مراحل و فرآیند ازدواج ما که مثلاً خیلی یه‌هوایی تصمیم گرفتیم که این و با خانواده‌ها مطرح کنیم. یکی دو بار خانواده‌ها با هم رفت و آمد کردن که یه شناختی نسبت به هم پیدا بکنن، بعد هم مراسم خواستگاری و بقیه مراسم". (۱۱-۱۳۸)

به همین ترتیب، خانم سی ساله متأهل و نیز خانم بیست و هشت ساله متأهل علی‌رغم آنکه بر آشنایی پیش‌بینی نشده و ناگهانی با همسر خود تأکید می‌کنند اظهار می‌دارند که فرآیند ازدواج ایشان طولانی و شامل زمانی نزدیک به دو سال برای شناخت طرف مقابل بوده است. در این باره ایشان اظهار می‌دارند:

"کاملاً با هدف بود. همینطوری که اصلاً نبود، چون ما دو سال همینجوری داشتیم همدیگه رو می‌شناختیم". (۱۳-۲۲۹)

"کاملاً با هدف و مشخص بود، نه همینطوری ... برنامه‌ام داشت آره ... بخاطر اینکه از روز اولی که تصمیم گرفتیم برای خواستگاری با هدف و با برنامه بود. من به آینده فکر کرده بودم. اون آدمو می‌شناختم. اون جوری نبود که بی‌هدف بخوام ازدواج کنم". (۲۰-۲۸۳)

بدین ترتیب وجود شواهد مختلف بر هر دو شکل یکبارگی و پیش‌بینی‌پذیری حاکی از آن است که در ازدواج هر دو رویه همزمان و همراه با هم وجود دارند. از این منظر، ازدواج برنامه‌ریزی شده جنبه‌های پیش‌بینی نشده و ازدواج یکباره جنبه‌های برنامه‌ریزی شده بسیاری را در خود دارد. مقایسه شواهد در هر دو جنبه نشان می‌دهد که موارد واحدی شاهد هر دو بخش است. به عبارت دیگر، افراد تجربه‌هایی از هر دو رفتار را به صورت همزمان به نمایش می‌گذارند. بر این مبنای بررسی و مقایسه موارد آشکار می‌سازد که در عمل ازدواج‌ها نه کاملاً یکباره و نه کاملاً پیش‌بینی شده است، بلکه به طور معمول آنچه واقع می‌شود شامل رویه‌ای بین این دو است.

نتیجه‌گیری

۱. در موارد متعددی از مصاحبه‌ها، توجه به مقدمات ازدواج در همراهی با راهبرد برنامه‌ریزی قابل مشاهده است. این بدان معنا است که توجه به مقدمات ازدواج به خصوص مقدمات مادی در ازدواج پیش‌بینی شده بیشتر دیده می‌شود. مطابق با چنین رویکردی، در ازدواج برنامه‌ریزی شده مسئله تأمین مقدمات اهمیت بیشتری می‌یابد و سعی می‌شود در آن ابتدا مقدمات مادی برآورده شود و سپس تصمیم به ازدواج گرفته شود. به همین ترتیب شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد در ازدواج پیش‌بینی نشده یا یکباره، از اهمیت مقدمات کاسته و بر اهمیت وجود احساس عشق و علاقه نسبت به دیگری اضافه می‌شود. در این صورت محرک ازدواج و آغاز کننده فرآیند آن، علاقه به دیگری است. در این حالت ممکن است مقدمات ازدواج فراهم نباشد، اما ازدواج صورت پذیرد.
۲. از آنجا که هر قدر فرد بخواهد اقدام به برنامه‌ریزی و تهیه مقدمات کند باز هم برای فراهم آوردن مقدمات بیشتر وجود خواهد داشت، نمی‌توان حدی برای ازدواج پیش‌بینی شده متصور شد. به علاوه، حتی اگر پیش‌بینی کردن موقعیت و برنامه‌ریزی برای فراهم آوردن مقدمات به نهایت برسد و رفاهی کامل حاصل آید، باز هم تضمینی برای واقع شدن ازدواج نخواهد بود.
۳. اینکه در تمام گروه‌های مختلف می‌توان مواردی را از تمرکز بر ازدواج پیش‌بینی نشده یافت نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری در ازدواج وابسته به مسائلی بجز مقدمات ازدواج است. شاید از این منظر فراهم آوردن مقدمات ازدواج، امر لازم ازدواج باشد، اما ضرورتاً امر کافی نیست. به همین ترتیب مقایسه موارد و نیز بازخوانی تجربه جوانان متأهلی که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند، آشکار می‌سازد که تصمیم جوانان برای ازدواج، مستقل از مقدمات ازدواج و یا برنامه‌ای است که از قبل برای ازدواج تدارک می‌کنند. در این موارد به نظر می‌رسد علاقه به دیگری یا وجود احساس عاشقانه و یا در معنای سنتی آن داشتن خواستگار، فرد را به تصمیم در این عرصه می‌رساند.

۴. مرور مصاحبه‌ها به خصوص بازخوانی تجربه افراد متأهل در مدیریت مقدمات ازدواج و تصمیم‌گیری نشان می‌دهد که شکل افراطی موضوع یعنی با برنامه بودن و یا یکباره بودن ازدواج کمتر به وقوع می‌پیوندد. به نظر می‌رسد در این مورد شکل واقعی ازدواج برآیندی از ازدواج یکباره و ازدواج برنامه‌ریزی شده است. در این معنا مواردی که حاکی از ازدواج یکباره است در خود نوعی از برنامه‌ریزی را نیز در تقدیر دارد. متقابلاً مواردی که حاکی از ازدواج برنامه‌ریزی شده است نوعی از یکبارگی را در تقدیر دارد. به نظر می‌رسد آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، نتیجه دیالکتیک فراهم آوردن مقدمات و تصمیم‌گیری یکباره است. در این مورد مقدمات ازدواج به آرامی فراهم می‌شود، اما آنچه باعث ازدواج می‌شود تصمیم ناگهانی است که می‌تواند نتیجه پدیدآمدن علاقه نسبت به دیگری و یا به عبارت دیگر، یافت شدن فرد مناسب برای ازدواج باشد. مطابق با چنین تعبیری، ازدواج بیشتر ترکیبی از برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری یکباره است. در این معنا هر چند فرد مقدمات ازدواج را به آرامی و در طی زمانی طولانی فراهم می‌کند، اما در یک لحظه تصمیم به ازدواج می‌گیرد. در این منظر تصمیم به ازدواج به آن احساس علاقه‌ای وابسته است که باعث حرکت فرد در اقدام به ازدواج می‌شود.
۵. مقدمات ازدواج و یافتن فرد مناسب (پدید آمدن علاقه یا احساس عاشقانه نسبت به دیگری) درگیر رابطه دیالکتیکی کاملی است. در این مورد فراهم‌تر بودن مقدمات ازدواج به افزایش احتمال پدید آمدن علاقه نسبت به دیگری می‌انجامد و متقابلاً ایجاد علاقه به دیگری، انگیزه‌ای برای فراهم آوردن مقدمات ازدواج می‌شود تا از خلال آن تصمیم به ازدواج عملی شود. دیالکتیک دخیل در این قضیه باعث می‌شود افرادی که تأکید بسیاری بر فراهم آوردن مقدمات ازدواج دارند و می‌خواهند ازدواج پیش‌بینی شده‌ای داشته باشند، اسیر عقلانیت بیش از اندازه شوند. تأکید بیش از اندازه بر مقدمات و نیز ازدواج پیش‌بینی شده از آنجا که زمان بیشتری را نیاز دارد، همبسته با سن بالاتر و از آنجا عقلانیت بیشتر در ازدواج است که اتفاقاً از این بابت باعث کاهش امکان ازدواج خواهد شد.
۶. مجموعه شرایط نشان می‌دهد که ازدواج وابسته به تصمیم فردی گشته و به نوعی فردگرایانه شده است. از این منظر، مدرن شدن ازدواج و فردگرایی همبسته با آن شخصی‌ترین بخش زندگی هر فردی را تسخیر کرده و حیات جوانان را به خصوص در امر ازدواج پر ابهام ساخته است.
۷. مقدمات ازدواج در سه شکل مقدمات مادی، معنوی و اجتماعی از سوی جوانان بسیار نزدیک و همبسته با مسئولیت‌های فردی تعریف می‌شود. تعبیر فردگرایانه مقدمات ازدواج که مبتنی بر عاملیت فردی و همزمان توجه کمتر به عوامل اجتماعی و یا حتی نهادی در مقدمات ازدواج است آشکار می‌سازد که مسئولیت ازدواج در ذهن جوانان متوجه خود آنان است. این وضعیت بسیار نزدیک است با آنچه جونز از زندگی در عصر خود تعیین‌کنندگی مطرح می‌کند. براساس مفهوم جونز، به دلیل ناپیوستگی زندگی‌نامه‌ای در عصر جدید (پس و پیش رفتن‌ها در گذار به بزرگسالی) فرد نه تنها مجبور

به تصمیم گرفتن و پذیرش مسئولیت تصمیم خود است، بلکه حتی در جایی که تصمیمی نیز نمی‌گیرد باز هم خود را مسئول عواقب هر چیزی می‌شمارد (جونز، ص ۹۹). در این تحقیق به دست آمد که نگرانی مهم جوانان از ازدواج بیش از هر چیز متوجه سرانجام ازدواج است و اینکه آیا فرد منتخب، همسر مناسبی در زندگی آینده خواهد بود یا خیر. این امر شاهدهی است از آنکه آنها مسئولیت ازدواج را به هر شکل متوجه خود می‌دانند و هم در مقدمات و هم در تصمیم‌گیری عواقب امر را به خود منتسب می‌کنند.

۸. تحقیق نشان می‌دهد علیرغم آنکه جوانان عواقب هر گونه تصمیم‌گیری در ازدواج را می‌پذیرند، اما همچنان مثل گذشته در چگونگی ازدواج، مقدمات آن و نیز راهبردهایی که برای رو به رو شدن با ازدواج انتخاب می‌کنند، تحت تأثیر طبقه هستند. اگر به تأثیرپذیری از طبقه به همراه انتساب عواقب تصمیم‌گیری به خود توجه شود می‌توان استنباط کرد که جوانان درگیر آن موقعیتی هستند که فرلانگ و کارتمل با عنوان خطای شناخت شناسانه مدرنیته متأخر از آن یاد می‌کنند. مطابق مفهومی که ایشان مطرح می‌کنند، جوانان تصور می‌کنند که خود سرنوشت خود را می‌سازند، اما در واقعیت آنها در کار ساختن سرنوشت خود همچنان اسیر متغیرهای ساختاری مثل طبقه و جنسیت باقی مانده‌اند. در این معنا شواهد گواه آن است که آنچه جریان واقعی زندگی و ازدواج ایشان را شکل می‌دهد، طبقه است و نه عاملیت خود ایشان. از این منظر آنها تصور اشتباهی درباره نقش خود در ساختن زندگی خود دارند و این خطای شناخت شناسانه‌ای را رقم می‌زند که ویژگی عام زندگی جوانان امروز شده است. مطابق با چنین تعبیری علیرغم آنکه به نظر می‌رسد زندگی پروژه‌ای بازاندیشانه شده، اما همچنان تحت تأثیر و حتی تسلط طبقه و جنسیت است (فرلانگ و کارتمل، ۲۰۰۷؛ فرلانگ، ۲۰۰۹ و جونز، ۲۰۰۹). در این تحقیق واقعیت تفسیر فرلانگ و کارتمل از نقش خانواده در ازدواج جوانان قابل استنتاج است. مطابق با آنچه به دست آمد جوانان ضمن اینکه اذعان می‌دارند بدون کمک خانواده (یا حتی نهادهایی که در این امر مداخله می‌کنند) نخواهند توانست از پس مقدمات ازدواج برآیند، اما در انتساب مسئولیت مقدمات ازدواج و تصمیم‌گیری به خود نیز تردید نمی‌کنند. آنها در حالی مسئولیت مسئله را به گردن می‌گیرند که توانایی تسلط بر موقعیت را ندارند.

۹. وضعیت جوانان در رو به رو شدن با ازدواج و نیز انتساب مسئولیت مقدمات ازدواج به خود با تعبیر هاینتز نیز که با عنوان "فردی شدن ساختاریافته" مطرح می‌شود قابل تفسیر است. مطابق مفهوم وی، علیرغم آنکه اثرات شرایط نامطمئن و بیم حاصل از آن به وسیله عوامل ساختاری مثل خانواده، طبقه و جنسیت فیلتر می‌شود، اما بازاندیشی نیز کماکان ویژگی زندگی نامه‌ای گذار باقی می‌ماند (هاینتز، ۲۰۰۹). در تفسیر هاینتز، بازاندیشی همچنان ویژگی مهم گذار جوانان به بزرگسالی است. تفسیر هاینتز

هر چند مثل تفسیر فرلانگ و کارتمل بر اثر عوامل ساختاری تأکید می‌کند، اما از جنبه تأکید بر امر بازانديشی متفاوت از تفسیر فرلانگ و کارتمل است - شواهد این تحقیق هر دو تفسیر را تأیید می‌کند. ۱۰. به عبارت دیگر، هم شواهدی از تسلط بازانديشی وجود دارد و هم شواهدی از خطای شناخت‌شناسانه. اینکه جوانان مدیریت منعطفی بر جریان ازدواج اعمال می‌کنند، علامتی از رفتار بازانديشانه ایشان در فرآیند ازدواج و گذار به بزرگسالی است.

۱۱. وضعیت متناقض احساس مسئولیت نسبت به شرایط موجود و همزمان فقدان در اختیار داشتن منابع لازم برای مدیریت موقعیت مطابق با تفسیر رابرتز به بی‌طبقه شدن جوانان و نیز عدم آگاهی آنها از اثر طبقه می‌انجامد که نتیجه آن باز هم خطای شناخت‌شناسانه جوانان در جریان گذار به بزرگسالی است (رابرتز، ۲۰۰۹). این امر ناشی از پذیرش مسئولیت خود در مقدمات ازدواج و راهبردهای رو به رو شدن با ازدواج و در عین حال نادیده گرفتن و توجه نداشتن به جایگاه طبقاتی و نیز توانایی‌های خود در شکل دادن به این دو است. شواهدی از این امر در تحقیق حاضر به خصوص در مورد طبقه متوسط و خانم‌ها مشاهده می‌شود. هر چند شواهد گواه آن است که طبقه پایین و تا حدودی مردان، ادراک روشن‌تری از ناتوانی خود در فراهم ساختن مقدمات ازدواج و نیز چگونگی تصمیم‌گیری در رو به رو شدن با ازدواج دارند. در این مورد در بین طبقه متوسط این نگاه بیشتر وجود دارد که فرد خود در کار ساختن آینده خود است. به همین ترتیب، خانم‌های برآمده از طبقه متوسط نیز در این امر مصرند و تصور می‌کنند توانایی تغییر را نیز به کاملترین شکل در اختیار دارند.

۱۲. تفوق رویه میانه در راهبردهای رو به رو شدن با ازدواج نشان می‌دهد که جوانان در رو به رو شدن با ازدواج هم از برنامه‌ریزی سود می‌برند و هم به خاطر طبیعت نامطمئن و پیش‌بینی‌ناپذیرگذار از برنامه‌ریزی تمام جزئیات فاصله می‌گیرند. آنها یاد می‌گیرند که چگونه منعطف باشند و در این باره راهبرد برنامه‌ریزی را با آنچه که پیش می‌آید ترکیب کنند. لگاردی نیز با چنین امری در تحقیق خود رو به روست. وی مطرح می‌کند که چگونه عدم قطعیت اجتماعی معاصر منبعی برای کنش و الهام‌بخش چگونگی راهبری گذار توسط جوانان شده است. مطابق تفسیر ایشان هر چند جوانان طرح‌هایی را برای رو به رو شدن با موقعیت پی می‌ریزند، اما از جزئیات در می‌گذرند و اجرای آن را به موقع مناسب خود واگذار می‌کنند (لگاردی، ۲۰۰۶، ص. ۱۶). براساس کاری که وی انجام داده است ایده برنامه‌ریزی^۱ در راهبردهای جوانان می‌تواند با خطوط راهنما^۲ جایگزین شود. خطوطی که می‌تواند برای کنش به عنوان نوعی قطب‌نما عمل کند (همان). این امر با ماهیت تعریف جوانان از مقدمات ازدواج و

¹ planning

² guidelines

نیز چگونگی رو به رو شدن با ازدواج در این تحقیق هماهنگ است. آنها ضمن اینکه مقدمات ازدواج را طوری تعریف می‌کنند که جنبه‌هایی بسیار فردی می‌یابد، تصمیم‌گیری برای ازدواج را نیز ۱۳. منعطف تعریف می‌کنند. تجربه‌های ایشان نیز نشان می‌دهد که رو به رو شدن با ازدواج و تصمیم‌گیری در آن باره متکی به رویه‌ای منعطف در رو به رو شدن با موقعیت و در عین حال تمسک به نگاه طولانی مدت است. در این وضعیت مدیریت منعطف و بسته به موقعیت ازدواج و البته برنامه‌ریزی جنبه‌های اصلی زندگی که اثر تعیین‌کننده‌ای بر جریان ازدواج دارد (مثل شغل، تهیه مسکن و پس‌انداز) رویه عمومی جوانان می‌شود. این در حالی است که با تفاوت‌ها در سطح طبقاتی تمایزات آشکاری در توجه به برنامه‌ریزی، گرفتن خطوط راهنما، دنبال کردن اهداف محدود و عملی و نیز تکیه بر شانس و اقبال بوجود می‌آید؛ امری که انعکاسی از وضعیت دوگانه جوانان در توانایی و ناتوانی است که با مفهوم عاملیت محدود شده جونز نیز نزدیک است (جونز، ۲۰۰۹، ص. ۱۰۴). براساس شرح جونز، بیشتر متحمل است تا راهبردهای کوتاه مدت توسط آنها که فاقد قدرت هستند انتخاب و بکار گرفته شود (همان، ص. ۱۰۶). در این باره آشکارا طبقه، عامل تمایز است؛ به گونه‌ای که طبقات بالاتر بر جنبه‌های فردی تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و خطوط راهنما و طبقات پایین‌تر بر شانس و اقبال تکیه می‌کنند. در این مورد مثلاً طبقات بالاتر هم برنامه‌ریزند و هم منعطف رفتار می‌کنند، اما طبقات پایین‌تر علیرغم آنکه رفتار منعطفی دارند بر شانس و اتفاقات پیش‌بینی نشده نیز توجه دارند. آنها احتمالاً زندگی خود را براساس طرح و برنامه‌ای روشن دنبال نمی‌کنند، بلکه اهدافی حداقلی را در نظر می‌گیرند که از خلال آنها بتوانند جنبه‌های دیگر زندگی و از جمله ازدواج را سر و سامان دهند.

۱۴. در مجموع به نظر می‌رسد راهکاری که جوانان در رو به رو شدن با ازدواج پی می‌گیرند بیشتر مبتنی بر عمل‌گرایی است؛ بدان معنا که در تأمین مقدمات ازدواج و رو به رو شدن با ازدواج هم برنامه‌ریزند و هم منعطف. در این تعبیر حتی آنها که یکبار با ازدواج رو به رو می‌شوند، جنبه‌های مهمی از پیش‌بینی‌پذیری و برنامه‌ریزی را در رویه‌ها و اعمال خود دارند.

منابع

۱. التجائی، ابراهیم و عزیززاده، مینا. (۱۳۹۵). "بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران: یک مطالعه میان استانی". جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۷، ۱-۲۳.
۲. جولایی، ز. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج از منظر جوانان. مرکز مطالعات راهبردی. سازمان ملی جوانان.
۳. خرازی، محمدعلی، حسینی مطلق، سیدمحمد و صدریان، محمدرضا. (۱۳۸۰). "بررسی دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد پیرامون عوامل مؤثر بر ازدواج". مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید صدوقی یزد. ۹(۱)، ۳۷.
۴. رستگار خالد، امیر، رحیمی، ماریا و عظیمی، هاجر. (۱۳۹۴). "نگرش سنجی پدیده دیررسی ازدواج (مورد مطالعه: شهر ایلام)". مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. ۴(۴)، ۶۸۵-۷۰۶.
۵. زین‌آبادی. (۱۳۸۹). "طرح بررسی عوامل مؤثر در تغییرات سن ازدواج جوانان شهر تهران". تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی. سازمان ملی جوانان.
۶. سیاست ملی جوانان در جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۳) سازمان ملی جوانان.
۷. صادقی، رسول، قدسی، علی محمد و افشارکهن، جواد. (۱۳۸۶). "واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل". پژوهش زنان، ۱۵(۱)، ۸۳-۱۰۸.
۸. طیبی‌نیا، موسی. (۱۳۹۳). "میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن". فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. ۵(۱۶)، ۸۶-۶۳.
۹. فاطمی‌نیا. (۱۳۸۹). بررسی و اولویت‌بندی نیازهای جوانان از نگاه خود. معاونت مطالعات و تحقیقات. سازمان ملی جوانان.
۱۰. قانون تسهیل ازدواج جوانان. (۱۳۸۴). مجلس شورای اسلامی.
۱۱. قنبری، ب. (۱۳۹۰). مصاحبه اکتشافی در باره مسائل جوانان. مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی. وزارت ورزش و جوانان.
۱۲. محمدی سیف، معصومه و عارف، محمد. (۱۳۹۴). "آسیب‌شناسی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی (شناسایی و بررسی مهم‌ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)". فصلنامه مهندسی فرهنگی. ۱۰(۸۶)، ۷۴-۸۹.

۱۳. محمودیان، حسین. (۱۳۸۳). "سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان". نامه علوم اجتماعی. ۲۴، ۵۳-۲۷.
۱۴. مرکز ملی سنجش افکار. (۱۳۸۸). بررسی موانع فرهنگی در امر ازدواج جوانان. مرکز مطالعات راهبردی. سازمان ملی جوانان.
۱۵. مصری نژاد، شیرین. (۱۳۸۱). "بررسی پیشرفت‌های اقتصادی-اجتماعی زنان و رابطه آن با سن ازدواج در ایران". مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان. ۱۴(۲)،
۱۶. نصرتی نژاد، فرهاد، شریفیان ثانی، مریم و محمدی نوبری، علی. (۱۳۹۵). "تبیین جامعه‌شناختی دیرهنگامی ازدواج در میان جوانان شهرستان طارم". مسائل اجتماعی ایران. ۷(۲)، ۱۴۱-۱۵۸.
۱۷. نقیعی، سیدابوالحسن و حمیدی، مهرانه. (۱۳۹۴). "سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج در شهرستان قائمشهر". مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران (نامه دانشگاه). ۲۵(۱۳۱)، ۱۵۹-۱۶۴.
۱۸. نیک منش، زهرا و کاظمی، یحیی. (۱۳۸۵). "علل و راه حل‌های تأخیر در ازدواج جوانان". مجله علوم تربیتی و روانشناسی. ۳.



- Brinkmann, S. (2013). *Qualitative interviewing*. Oxford University Press.
- Furlong, A. (2009). *Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas*. Routledge.
- Furlong, A., and Cartmel, F. (2007). *Young People and Social Change: Individualization and Risk in Late Modernity*. Open University Press.
- Furlong, A., and Cartmel, F. (2009). Mass higher education. In A. Furlong, *Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas* (pp. 121-126). Routledge.
- Heath, S. (2002). Domestic and Housing Transitions and the Negotiations of Intimacy. In G. P. Mark Cieslik, *Young People in Risk Society: The Restructuring of Youth Identities and Transitions in Late Modernity* (pp. 137-158). Ashgate.
- Heinz, W. R. (2009). Youth transitions in an age of uncertainty. In A. Furlong, *Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas* (pp. 3-13). Routledge.
- Jenks, C. J. (2011). *Transcribing talk and interaction : issues in the representation of communication data*. John Benjamins B.V.
- Jones, G. (2009). *Youth*. Polity Press.
- Kowal, S. and O'Connell D. C. (2014). Transcription as a Crucial Step of Data Analysis. In U. Flick, *The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis* (pp. 64-78). SAGE Publications Ltd.
- Leccardi, C. (2006). Facing Uncertainty. Temporality and Biographies in the New Century. In C. L. Ruspini, *A new youth?: young people, generations and family life* (pp. 15-40). Ashgate.
- Merkens, H. (2004). Selection Procedures, Sampling, Case Construction. In U. Flick, *A Companion to Qualitative Research* (pp. 165-171). Sage Publications Ltd.
- Rapley, T. (2007). Interviews. In C. Seale, *Qualitative Research Practice* (pp. 15-33). Sage Publications.
- Rapley, T. (2014). Sampling Strategies in Qualitative Research. In U. Flick, *The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis* (pp. 49-63). SAGE Publications Ltd.
- Roberts, K. (2009). Socio-economic reproduction. In A. Furlong, *Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas* (pp. 14-21). Routledge.
- Roberts, K. (2005). Youth unemployment and social exclusion. In J. P. Christopher Pole, *Young People in Transition: Becoming Citizens* (pp. 116-138). Palgrave Macmillan.
- Roulston, K. (2014). Analysing Interviews. In U. Flick, *The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis* (pp. 297-312). SAGE Publications Ltd.

- Saldaña, J. (2009). *The Coding Manual for Qualitative Researchers* . SAGE Publications Ltd.
- Swartz, T.T., and O'Brien, K. B. (2009). Intergenerational support during the transition to adulthood. In A. Furlong, *Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas* (pp. 217-225). Routledge.



Marriage Requirements and Young People's Strategies for Encountering Marriage

Soheila Sadeghi Fasaii

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Mohsen Banijamali

Ph.D. Student in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 22 Jan. 2017

Accepted: 15 Mar. 2017

This article focuses on three issues. At first, it concentrates on marriage requirements from young people's point of view. Then, it emphasizes on strategies by which young people face with marriage. Furthermore, the article continues with researching on how young people percept marriage requirements and how young people make their decisions on marriage.

In this qualitative inquiry information has been gathered through structured interviews. Interviews have been transcribed and changed to texts and then analyzed by thematic accounts.

Sample consists of single and married men and women from different classes. Their ages are between 20 up to 40.

Based on interviewees accounts marriage requirements are summarized in three categories which are materialistic, non-materialistic and social. These requirements are transformable and can change to each other. Although young people from different classes point to materialistic requirements, lower classes are more inclined to them. Sticking to non-materialistic requirements is seen more repeatedly in middle and upper classes. As a result marriage requirements for middle and upper classes are more subjective and for lower classes are more objective.

In referring to marriage requirements women are more inclined to subjective or non-materialistic issues whilst men are more interested in objective or materialistic issues. Also for women, existence of a person who wants to marry her is the most important issue in marriage requirements.

Yong people strategies in encountering marriage are rooted in two modes of marriage: un-predictable or all at once marriage and predictable or planned marriage.

Interviewee's accounts indicate that young people strategies in encountering marriage are under the influence of gender. In this stance marriage for women in comparison with men are more un-predictable. Therefore their strategies for encountering marriage are more flexible and even liquid.

Supremacy of flexible procedures in marriage encountering strategies shows that young people benefit from both planned and casual or contingent arrangements. They have learned how to be flexible and how to mix planning and contingency. In this setting, indeed, class is the main determinant factor. Upon it upper classes emphasize on individual modes of decision making, consist of planning and making life guideline procedures, whereas lower classes rely on chance and luck.

Findings indicate although young people accept their responsibility for marriage procedures, but they yet are under the influence of structural factors, like class and gender. This means young people face a paradoxical situation in which they cannot afford marriage procedures but without doubt they acknowledge their responsibility for those procedures. Based on sociological perspectives this situation is defined as an epistemological fallacy in late modernity. In this account although they do not have power to manage their marriages but they accept their responsibility for managing marriage procedures.

Key words: Young People, Marriage, Marriage Requirements, Marriage Management, Strategies for Encountering Marriage and Epistemological Fallacy in Late Modernity

پښتونستان د علومو انساني و مطالعاتو فرېښکې
پرتال جامع علوم انساني